

Evaluating fair development in Iran's economy with the approach of multi-dimensional indicators (multi-dimensional poverty and the combined index of justice)

Somayeh Jafari

PhD in Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding author).

Somayehj99@gmail.com

Farshad Momeni

Professor in Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

farshad.momeni110@gmail.com

Davoud Mahmoudinia

Assistant professor in Economics, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Iran.

D.Mahmoudinia@vru.ac.ir

Abstract

7 decades of development history after the Second World War have been associated with the evolution of the concept of development. Perhaps the most important change in the concept of development is the change from the concept of economic growth to a structural and qualitative change that improves the income and non-income aspects of well-being, and has stability and fair distribution. In order to evaluate fair development in Iran's economy, multi-dimensional indicators have been used. The results of the surveys show that the trend of the multidimensional poverty index in rural areas during the years under review was a decrease, which means that the extent and severity of multidimensional poverty decreased during the years under study in rural areas. Regarding the urban areas, this index has a fluctuating trend, but since 2007, the average trend of this index has been upward, which can be caused by high inflation, recession and the occurrence of sanctions. On the other hand, the calculation of the composite European social justice index shows that the index faced an upward trend between 2001 and 2019, and finally the total score reached 7.32 in 2001 from about 4.72 in 2019. Although the trend of this index shows the improvement of the social justice composition index in Iran, the downward trend in the labor market and the social sectors of health and intergenerational justice seems worrying.

Keywords: Equitable development, multidimensional poverty, composite justice index.

JEL Classification: I32, D63.

ارزیابی توسعه عادلانه در اقتصاد ایران با رویکرد

شاخص‌های چندبُعدی

(فقر چندبُعدی و شاخص ترکیبی عدالت)

سمیه جعفری

دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Somayehj99@gmail.com

فرشاد مؤمنی

استاد گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران farshad.momeni110@gmail.com

داود محمودی‌نیا

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، ایران. D.Mahmoudinia@vru.ac.ir

چکیده

هفت دهه تاریخ توسعه پس از جنگ جهانی دوم، با تحول ادراک مفهوم توسعه همراه بوده است. شاید مهم‌ترین تحول در مفهوم توسعه تغییر از مفهوم صرفاً رشد اقتصادی به تحولی ساختاری و کیفی است که ضمن بهبود ابعاد درآمدی و غیر درآمدی رفاه، از پایداری و نیز توزیع عادلانه برخوردار باشد. به منظور ارزیابی توسعه عادلانه در اقتصاد ایران از شاخص‌های چند بُعدی آلفاکایر و فاستر و شاخص عدالت ترکیبی استفاده شده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد روند شاخص فقر چند بُعدی در مناطق روستایی در طی سال‌های مورد بررسی روند نزولی داشته است. این روند به منزله کاهش وسعت و شدت فقر چند بُعدی در طی سال‌های مورد مطالعه در مناطق روستایی است. در خصوص مناطق شهری این شاخص دارای روند نوسانی می‌باشد لیکن از سال ۱۳۸۷ به بعد به‌طور متوسط روند این شاخص، صعودی بوده که علت آن می‌تواند تورم‌های بالا، رکود و بروز تحریم‌ها باشد. از سوی دیگر، محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی اروپا نشان می‌دهد شاخص در بازه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ با روند صعودی رو به رو بوده است و در نهایت نمره کل از حدود ۴٫۷۲ در سال ۱۳۸۰ به ۷٫۳۲ در سال ۱۳۹۸ رسیده است. اگر چه روند این شاخص، بهبود شاخص ترکیب عدالت اجتماعی در ایران را نشان می‌دهد اما روند نزولی در بازار کار و بخش‌های اجتماعی سلامت و عدالت بین نسلی نگران‌کننده به نظر می‌رسد. اهمیت این مسئله در آسیب‌هایی است که از جانب شوک‌های ارزی و تحریم‌های اقتصادی به همه افراد جامعه به‌خصوص قشرهای ضعیف و کم‌درآمد در توسعه فراگیری وارد می‌شود و دستاوردهای مثبت عملکردی کشور در حوزه عدالت اجتماعی (یعنی کاهش فقر و بهبود جزئی گروه‌های آسیب‌پذیر) نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: توسعه عادلانه، فقر چندبُعدی، شاخص عدالت ترکیبی، روش آلفاکایر و فاستر.

طبقه‌بندی JEL: I32, D6

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۴۱، شهریور ۱۴۰۱، صص ۲۵-۶۴

مقدمه

تجارب دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی که طی آن رشد بدون فقرزدایی و اصلاح سایر متغیرهای اجتماعی پیگیری شد و دستاوردهای بسیار تلخی بجا گذاشت، نشان داد یکی از مسائلی که در فرآیند توسعه باید در نظر گرفته شود، بهبود متغیرهای اجتماعی است که مهم‌ترین آنها توزیع عادلانه‌ی درآمدها و عدالت می‌باشد. آنها دریافتند که توسعه بدون عدالت امکان‌پذیر نیست و جامعه بدون عدالت نمی‌تواند به نحوی مؤثر توسعه یابد. هرچند «کلیه نظام‌های اقتصادی مدعی عدالت هستند اما هر یک برداشت‌های متفاوتی از عدالت دارند و آن را به‌گونه‌ای متفاوت تعریف می‌کنند» (نمازی، ۱۳۹۲، ۳۳۳).

در این مسیر از منظر ارائه‌ی صورت‌بندی‌های مفهومی و نظری در زمینه‌ی توسعه، مسئله عدالت اجتماعی جایگاهی رفیع و سرنوشت‌ساز دارد. به‌گونه‌ای که پایداری همه دستاوردهای انسانی، اجتماعی و محیط زیستی مربوط به توسعه، تحت الشعاع مناسبات عادلانه‌ی قدرت، ثروت، منزلت و اطلاعات دانسته می‌شود و برداشت کلی آن است که پایداری و قابلیت استمرار و بقاء نظام حیات جمعی در همه عرصه‌های مورد اشاره، منوط به پایبندی نظری و عملی به مسئله‌ی عدالت اجتماعی است. به عبارت دیگر حتی دستاوردهای توسعه نیز در صورتی پایداری خواهند داشت که محور اصلی نظم‌بخشی به محیط اجتماعی و اقتصادی، عدالت باشد (مؤمنی، ۱۳۹۶). هر گونه مداخله، تنظیم‌گری و قانون‌گذاری جهت اقامه عدالت در جامعه، نیازمند شناخت، توصیف و ارزشیابی وضع موجود است. به دلیل ماهیت چند بعدی توسعه‌ی عادلانه، از منظرها و چارچوب‌های تحلیلی گوناگون به این موضوع پرداخت شده است. از این رو اندازه‌گیری شاخص‌های چند بعدی اهمیت زیادی پیدا می‌کنند. در این راستا موضوع اندازه‌گیری و تغییرات فقر چند بعدی و شاخص عدالت ترکیبی در طول زمان برای دولت‌های محلی و سازمان‌های جهانی اهمیت می‌یابد. تحقق توسعه و عدالت اجتماعی و کاهش فقر و نابرابری از آموزه‌های مؤکد اسلام و مهم‌ترین اهداف انقلاب ایران و نیز چشم‌انداز بیست‌ساله کشور به شمار می‌رود. در اصول ۳۱، ۲۹، ۲۱، ۴۳ و ۳ قانون اساسی مسئله فقر و رفاه اقشار آسیب‌پذیر به صراحت مورد توجه قرار داده شده است. هر چند در این

زمینه فعالیت‌هایی انجام شده و موفقیت‌هایی هم حاصل شده لیکن امروزه با افزایش فقر و نابرابری در ایران و افزایش شکاف طبقاتی پرداختن به مسئله عدالت اهمیت بیشتری یافته است. از این رو در بخش دوم این پژوهش، به بررسی مفهوم توسعه عادلانه و رابطه آن با عملکرد اقتصادی پرداخته می‌شود. بخش سوم به بررسی تجربیات و مطالعات انجام شده در خصوص فقر چند بُعدی و شاخص عدالت ترکیبی می‌پردازد. بخش چهارم، روش‌شناسی پژوهش، ابعاد و زیرشاخص‌های فقر چند بُعدی و شاخص عدالت ترکیبی معرفی می‌شود. سرانجام بخش پنجم، به یافته‌های شاخص‌های چند بُعدی اختصاص یافته است. در انتها، در بخش پایانی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بیان می‌گردد.

۱. مبانی نظری

همان‌طور که جهان رشد کرده است، تداوم فقر شدید و اختلاف فزاینده‌ی درآمد و رفاه بین فقیرترین و ثروتمندترین مردم جهان به‌طور ناخودآگاه افزایش یافته است (Stiglitz, 2015). کوزنتس در سال ۱۹۵۵ در یکی از مقاله‌های خود با عنوان «رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی»، این فرضیه را مطرح نمود که در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور، نابرابری درآمد ابتدا افزایش پیدا کرده و پس از ثابت ماندن در یک سطح معین به تدریج کاهش می‌یابد. هر چند شواهد جمع‌آوری شده در طول سه دهه اول بعد از جنگ جهانی دوم این الگو را ثابت کرد اما با گذشت زمان و تداوم رشد، با ارزیابی ابعاد مختلف، نابرابری و فقر همچنان افزایش یافته است (همان).

از سوی دیگر در سالیان اخیر تقلیل مفهوم توسعه اقتصادی و جستجوی رشد سریع برای کشورهای در حال توسعه، اگر چه در بعضی از این کشورها پیامدهای رفاهی به دنبال داشته لیکن زمانی که عدم کاهش فقر (Hakimian, 2011) و یا عدم کاهش نابرابری (Ali, 2007) همراه با آن مورد توجه قرار می‌گیرد، جای خود را به نگرانی از روند کاهش رشد در کل جامعه یا بخش‌های محروم‌تر می‌دهد.

اختلاف‌های فزاینده رفاه، درآمد و آسفتگی سیاسی که پیرامون جهان مشاهده می‌شود، از خیزش‌ها و انقلاب‌های منطقه خاورمیانه و بحران‌های در حال افزایش پناهندگان گرفته تا جنبش اشغال، به‌مثابه نوعی پارادوکس در رشد کشورهای در حال توسعه است که مطالعات جهانی، نرخ رشد رو به پیشرفت در اکثر این کشورها در قرن ۲۱ را نشان می‌دهد (Hakimian, 2011). در حالی که علت اصلی این

بحران‌ها ریشه در حس ناامیدی و احساسات عمیق بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه دارد (Stiglitz, 2015). اما آنچه اهمیت دارد این است که تقلیل بررسی تحولات توسعه‌ای جامعه به ردگیری تحولات رشد، درک دقیقی از آنچه در این کشورها در حال رخ دادن بوده و آن تحولی که شهروندان این جوامع در زندگی خود تجربه می‌کردند ارائه نمی‌دهد (رجب پور، ۱۳۹۹). تأیید این مطلب را شاید بتوان در مطالعه صندوق بین‌المللی پول مشاهده کرد که علیرغم این که نشان می‌دهد در افق‌های بلندمدت، رابطه قوی بین رشد و توزیع درآمد برابر وجود دارد با این حال کاهش نابرابری و حفظ توزیع برابر می‌تواند دو روی یک سکه باشند (Berg & Ostry, 2011). خود این مطلب گواه کاستی‌های شاخص رشد در بیان تحولات اجتماعی و مفهوم توسعه است.

از این رو یافته‌های مطالعات فوق و بررسی تجارب توسعه در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که توسعه فقط رشد اقتصادی نیست، بلکه توسعه بر بهبود همه‌ی عرصه‌های زندگی دلالت دارد. از سوی دیگر در باب مسئله عدالت ما با پیچیدگی‌های به مراتب بیشتری رو به رو هستیم زیرا عدالت به مثابه‌ی رفتار اجتماعی فرد، ساختار و کارکرد نهادهای اجتماعی و وضعیت نهایی توزیع ثروت، قدرت و منزلت است (مؤمنی، ۱۳۹۰، ۴۲۷) و نیز ساحت‌های عدالت اقتصاد، سیاست، روابط اجتماعی، قانون، قضاوت و حتی روابط بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود. عدالت به لحاظ ماهوی نیز مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفته و آن را به مثابه‌ی اعطای حقوق، مراعات شایستگی‌ها، نبود تبعیض، وجود توازن اجتماعی، رعایت بی‌طرفی و عاقبت نیل به وضعیت بایسته، در نظر گرفته‌اند. همچنین مبانی عدالت، از حقانیت ذاتی تا احساس‌گرایی از خواست خداوند تا طبیعت‌گرایی، از تاریخ‌گرایی تا عمل‌گرایی و سرانجام از کثرت‌گرایی اخلاقی تا قراردادگرایی را شامل می‌شود (توسلی، ۱۳۷۵).

تعاریف عملیاتی از عدالت به طور عمده در دو قالب ارائه شده که از آنها با عناوین عدالت رویه‌ای و عدالت توزیعی نام برده می‌شود. عدالت توزیعی به لحاظ تاریخی ریشه در آرای ارسطو داشته است که در این دیدگاه اصول مربوط به تخصیص و توزیع در درجه نخست باید بر مبنای ارزش‌های فردی و سپس مساوات سامان یابد و مهم‌ترین ملاک و ضابطه برای توزیع منابع جامعه، شایستگی و لیاقت در نظر گرفته می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۴، ۴۴). در حالی که عدالت رویه‌ای تحت تأثیر اندیشه‌های افلاطون قرار دارد که رویکردی جمع‌گرا به عدالت اجتماعی ارائه می‌دهد. عدالت

توزیعی به انتظام دقیق امکانات و مواهب جامعه، مانند ثروت، قدرت، درآمد، فرصت بین افراد و شهروندان می‌پردازد. نظریه‌های عدالت توزیعی به دنبال پاسخ به این سؤالات است که کدام کالاها باید توزیع شود؟ این کالاها بین کدام گروه‌ها باید توزیع شود؟ و توزیع دقیق این کالاها چگونه باید باشد؟ لیکن نظریه‌های عدالت توزیعی اغلب به این پرسش که چه کسی حق اجرای یک مطلوب مشخص را دارد یا به عبارتی چه کسی باید مجری عدالت توزیعی باشد، پاسخ نمی‌دهند.

چگونگی توزیع درآمد، میزان فقر و نابرابری در جامعه یکی از مظاهر چگونگی برخورد جامعه با موضوع عدالت توزیعی است و نتیجه حاصل از این توزیع، تأثیر اساسی بر عملکرد کنونی و آتی جامعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی دارد. از این رو مکاتب عدالت توزیعی را از نظر مفهوم عدالت به سه دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

در مکاتب دسته اول نظریه عدالت به معنای برابری و یکسانی آورده شده است و از همین رو هرگونه اختلاف و تفاوت در درآمد افراد جامعه به معنی نابرابری و بی‌عدالتی در نظر گرفته می‌شود.

در مکاتب دسته دوم، عدالت به معنای برابری نیست و بخشی از نابرابری‌ها که هنوز معیار و شاخصی برای اندازه‌گیری و تعیین آن معرفی نشده است، به مفهوم بی‌عدالتی نیست و عین عدالت است و نبود آن در بین افراد جامعه به معنی نوعی بی‌عدالتی است. نظریه شایستگی، مشارکت و انصاف و نیز نظریه مارکسیسم از جمله نظریه‌هایی است که بر این مفهوم از عدالت تکیه دارند. در این نظریه‌ها وجود حد مشخصی از تفاوت بین افراد جامعه در برخورداری از مواهب و امکانات جامعه بی‌عدالتی خوانده نمی‌شود. البته باید توجه داشت که نابرابری نفی نمی‌شود و فقط زمانی که نابرابری از یک حد خاص بیشتر شود، آن نابرابری را نشانه‌ای از وجود بی‌عدالتی به شمار می‌آورند.

مکاتب دسته سوم یعنی نظریه نیاز، مانند طرفداران نظریه‌های شایستگی، انصاف و مشارکت به موضوع عدالت در توزیع درآمد و سایر امکانات و مواهب جامعه نظر دارد. این گرایش هر تفاوت و نابرابری را با بی‌عدالتی متناظر نمی‌داند. تفاوت این دو دیدگاه به منشأ فکری و به منشأ این نابرابری در توزیع درآمد بازمی‌گردد که در مکتب نیاز ناشی از تفاوت افراد جامعه در تفاوت نیاز به مبالغ درآمد یا امکانات و مواهب دیگر برای تأمین خواسته‌هاست. برداشت و تفسیر نیاز در بین پیروان این نظریه متفاوت است. برخی تأمین حداقل نیازها و برخی تأمین حداکثر نیازها را

مدنظر دارند. طرفداران تفسیر حداقل در مکتب نیاز افرادی هستند که به تأمین حداقل نیاز افراد جامعه به خوراک، پوشاک، سرپناه و ... اعتقاد دارند.

این گروه به نوبه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند :

دسته نخست به برابری و یکسانی در سطح حداقل برای همه افراد جامعه اعتقاد دارند. دسته دوم طرفدار تفاوت این سطح حداقل برای افراد دارای شرایط مختلف است. هر یک از این الگوهای سه‌گانه توزیع درآمد، به مثابه‌ی ابزار تحقق عدالت در توزیع این کالای اجتماعی کمیاب، نتایج خاص خود را به دست داده و برای شرایط خاصی از جامعه مناسب‌ترند (خلعتبری، ۱۳۹۰، ۵۱-۴۳).

افق بحثی که از این زاویه پدیدار می‌شود چگونگی برقراری رابطه عدالت اقتصادی و توسعه را نیز مشخص می‌سازد. هرچند که توسعه عادلانه تعریف یکسانی نداشته و معادل‌های گوناگونی در ادبیات پژوهش می‌توان برای آن سراغ گرفت! در جامع‌ترین تعریف می‌توان توسعه عادلانه را توسعه فراگیری دانست که بهبود استاندارد زندگی در همه بخش‌های جامعه را مدنظر قرار می‌دهد. به بیانی دیگر، رشد اقتصادی، سرعت یکسان تغییر اقتصادی برای تمامی افراد جامعه به ویژه بخش‌های محروم و به حاشیه رانده شده را تضمین نکرده و این یکسان‌انگاری بهبود رفاه اجتماعی با رشد اقتصادی، غفلتی مهم در لزوم بهبود وضعیت «به حاشیه رانده شده‌ها» در فرایند توسعه به وجود می‌آورد (Strategy, 2008). که با توسعه عادلانه می‌توان این مشکل را حل کرد.

همان‌طور که نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد فقر و نابرابری و عدم توزیع ناعادلانه در بخش‌های مختلف یک اقتصاد باعث می‌شود که افراد کم‌توان‌تر جامعه نتوانند در «آموزش»، سرمایه‌گذاری کنند و یا از شرایط سلامت مناسبی برخوردار شوند که این امر در بلندمدت، مانع تحقق توسعه انسانی در جامعه می‌شود. همچنین عدم برخورداری از استانداردهای زندگی این افراد مانع تحقق توسعه فرهنگی در جامعه شده و از سوی دیگر این فقر و بی‌عدالتی باعث تخریب ثبات و همبستگی اجتماعی می‌شود آنگاه شاهد عدم تحقق توسعه سیاسی در جامعه خواهیم بود. از این رو می‌توان گفت بین فقر و توسعه نیافتگی رابطه مستقیمی وجود دارد.

۱. مفاهیم مختلفی را می‌توان معادل توسعه عادلانه دانست، مفهومی نظیر:

(Fair Development, Equal Development, Egalitarian Development, Inclusive Development)



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۱): تأثیر فقر و نابرابری بر تداوم توسعه نیافتگی

با وجود تفاوت‌های نظری در خصوص عدالت لیکن این اتفاق نظر وجود دارد که عدالت به نوعی کاستن نابرابری میان افراد جامعه و از بین بردن جلوه‌های عریان فقر است و از نظر میردال^۱ (۱۸۵۵)، فقر و روند فزاینده‌ی آن، کوهی عظیم از مشکلات و موانع به وجود می‌آورد در نتیجه به‌عنوان شرط لازم در تسریع توسعه، معکوس کردن این روند و فراهم کردن برابری بیشتر، فوریت دارد (میردال، ۱۳۵۵، ۷۸). به عبارت دیگر هرگونه کوشش برای بهبود وضع فقرا باید: ۱- بر یک استراتژی بنیادی توزیع مجدد درآمد و ثروت بر محور توزیع دارایی‌های مولد استوار باشد. و ۲- به‌مثابه‌ی یک جزء جدایی‌ناپذیر از کلیت برنامه توسعه ملی در نظر گرفته شود. از این رو می‌توان گفت برای دستیابی به توسعه عادلانه بایستی یک توسعه پایدار و فراگیر اقتصادی وجود داشته باشد تا کاهش نابرابری، دسترسی عادلانه به وجوه مختلف بهزیستی و زندگی با کیفیت یعنی بهبود ابعاد درآمدی و غیر درآمدی رفاه در میان همه بخش‌های جامعه به‌ویژه به حاشیه رانده شده‌ها و اقلیت‌ها را، فراهم کند.

۲. مروری بر مطالعات تجربی

طی سال‌های اخیر، محاسبه فقر چند بعدی به روش آلکایر و فاستر^۲ (۲۰۱۱) زمینه پژوهشی بسیاری از مطالعات بوده است که خلاصه برخی از این مطالعات در جدول شماره ۱ (مطالعات خارجی) و جدول شماره ۲ (مطالعات داخلی) بیان شده است:

۱. Mirdal

۲. Alkir & Foster

جدول (۱): مطالعات انجام شده خارجی

مطالعه	اهم نتایج
سانتوس و ویلاتورو ^۱ ، ۲۰۱۸	در ۱۷ کشور آمریکای لاتین به بررسی و محاسبه شاخص فقر چند بُعدی به شیوه آلکایر و فاستر پرداخته‌اند. این شاخص شامل سیزده متغیر است که در ۵ بعد گروه‌بندی شده‌اند. در این پژوهش برای همه نماگرها وزن مساوی ۷/۴٪ در نظر گرفته شده است به جز درآمد و حمایت‌های اجتماعی که با وزن ۱۴/۸٪ و ۳/۴٪ در نظر گرفته شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که فقر در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است همچنین نتایج نشان می‌دهد که فقیرترین کشورهای آمریکای مرکزی گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوئه است و کم‌ترین فقر در سه کشور جنوب شرقی اروگوئه، آرژانتین و شیلی مشاهده شده است.
ناتن و رولن ^۲ ، ۲۰۱۲	با استفاده از داده‌های پایگاه EU-SILC برای کودکان کشورهای انگلیس، آلمان، فرانسه و هلند در سال ۲۰۰۷ به محاسبه شاخص فقر چند بُعدی و نسبت سرشمار تعدیل ^۳ شده پرداخته‌اند. در این مطالعه چهار بعد و ۱۲ شاخص با وزن‌های مساوی در نظر گرفته‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه ۵۷ درصد از کودکان هلندی با حد ثانی ^۴ ، ۱ فقیر محسوب شده‌اند (حداقل در یک شاخص محروم بوده‌اند) و ۲۸ درصد از آن‌ها با حد ثانی ۲ فقیر محسوب می‌شده‌اند. در انگلیس، فرانسه و آلمان بین ۶۵ تا ۶۹ درصد از کودکان حداقل در یک شاخص محروم بوده‌اند. و میزان فقر برای حداقل ۲ شاخص در این سه کشور بین ۴۰ تا ۴۲ درصد متغیر است.
جیان‌تویو ^۵ ، ۲۰۱۱	با استفاده از داده‌های وزارت بهداشت و تغذیه چین طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۰ به بررسی فقر چند بُعدی در چین پرداخته‌اند. این مطالعه پنج بعد درآمد، آموزش، سلامت، امنیت و استانداردهای سطح زندگی را به کار گرفت و نتایج به دست آمده نشان داد که سطح فقر چند بُعدی با افزایش رشد اقتصادی در چین کاهش یافته است. نرخ سرشماری فقر

۱. Santos & Villatoro

۲. Notten & Roelen

۳. Adjusted headcount ratio

۴. در روش آلکایر و فوستر برای شناسایی فقرا یک حد ثانی (k) مورد استفاده قرار می‌گیرد که برای $0 < k < 1$

۱ تابع شناسایی ρ_k تعریف می‌شود.

۵. Jiantuo

مطالعه	اهم نتایج
	چند بعدی در مناطق روستایی ۱/۴ تا ۱/۵ برابر مناطق شهری است و همچنین نشان می‌دهد تا قبل از سال ۲۰۰۶ عامل اصلی فقر محرومیت از تأمین اجتماعی بوده است که طی سال‌های مورد مطالعه کاهش یافته است.
هلمی، ۱، ۲۰۱۷	در این پژوهش به محاسبه شاخص عدالت اروپا برای ۳۵ کشور توسعه نیافته اقتصادی در دو بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۱۰ و ۲۰۱۰-۲۰۰۵ می‌پردازد که در این پژوهش یک بار شاخص عدالت را با وزن‌دهی یکسان و یک بار با وزن‌دهی متغیر محاسبه می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که یکسان‌سازی وزن‌ها باعث تغییر شاخص شد به نوعی که مثلاً کشور بوركینافاسو در هر دو شاخص بدترین وضعیت را تجربه نمود اما در شاخص با وزن‌های متغیر کشور اوکراین با ارتقا جایگزین قزاقستان شد. در حقیقت این تغییر نشان می‌دهد که کشورهایی که بیشتر بی‌عدالتی در آنها در بخش‌های غیر فقیر متمرکز شده است، در حالت جدید وضعیت بدتری خواهند داشت. در حقیقت وزن‌دهی متغیر بین ابعاد مختلف شاخص عدالت اجتماعی، متغیر اصلی را مشخص نموده و توان اثرگذاری دیگر بخش‌های شاخص در سنجش کلی عدالت اجتماعی را کاهش می‌دهد.

منبع: (مطالعات تحقیق)

جدول (۲): مطالعات انجام شده داخلی

مطالعه	اهم نتایج
ضرغامی، ۱۳۹۶	در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به محاسبه فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ به روش استاندارد (دادن اوزان مساوی به هر بعد) و پرسشنامه (تعیین اوزان با پرسش از متخصصان) پرداخته است. نتایج این پژوهش حاکی از روند صعودی فقر چند بعدی و درآمدی در این بازه یازده ساله است. همچنین وی نشان می‌دهد که سهم بعد درآمد از شاخص فقر چند بعدی در طول دوران یازده ساله نسبت به سهم بقیه ابعاد بیشتر شده است که وی بعد درآمد را با معیارهای میزان کالری مصرفی و میزان پروتئین مصرفی اندازه‌گیری کرده است.

مطالعه	اهم نتایج
<p>دادگر و همکاران، ۱۳۹۹</p>	<p>به بررسی فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ در استان‌های ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی پرداخته‌اند. نتایج تفکیکی استان‌ها برای مناطق شهری نشان می‌دهد که حدود ۱۷ درصد ساکنان شهرها در استان سیستان و بلوچستان دارای فقر چند بعدی هستند. پس از سیستان و بلوچستان که در درجه بالای فقر قرار دارند، استان‌های آذربایجان غربی با ۱۲ درصد، یزد و کرمان هر یک با اندکی کم‌تر از ۱۰ درصد قرار دارند. در مناطق روستایی، حدود ۶۰ درصد ساکنان روستاها در استان سیستان و بلوچستان دارای فقر چند بعدی هستند. بعد از سیستان و بلوچستان که درجه فقر بالایی دارد، خراسان جنوبی و کرمان هر یک با ۳۶ و ۳۲ درصد قرار دارد.</p>
<p>جلالی، ۱۳۹۸</p>	<p>به بررسی شاخص فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۱ در جامعه شهری ایران پرداخته است. در این بررسی، برای محاسبه شاخص فقر چند بعدی شش شاخص امکانات زندگی، میزان سواد، ساختمان محل زندگی، تغذیه، اشتغال و بیمه خدمات درمانی در نظر گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شاخص فقر چند بعدی در دوره زمانی مورد بررسی کاهش داشته است. همچنین با بررسی نتایج تجزیه شاخص در شهرهای کوچک، خانوارهای با سرپرست زن و خانوارهای پرجمعیت میزان فقر بیشتر و در خانوارهایی با وضعیت فعالیت صنعتی، میزان فقر کمتری مشاهده شده است. به علاوه این شاخص در طول زمان و در گروه‌های کم‌درآمد افزایش داشته است.</p>
<p>فطرس و قدسی، ۱۳۹۳</p>	<p>در مطالعه سال ۱۳۹۳، تنها روش‌شناسی ال‌کایر و فاستر را تشریح کرده‌اند بدون آنکه فقر را محاسبه نمایند. در مطالعه دیگری در سال ۱۳۹۶ به بررسی فقر چند بعدی در سه بعد آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ پرداخته و عملکرد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که میزان فقر چند بعدی ایران طی سال‌های مورد مطالعه کاهش یافته است و به‌طور کلی برنامه‌های توسعه سبب کاهش فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ شده است.</p>
<p>مصطفوی ثانی و سرآبادانی، ۱۳۹۸</p>	<p>در مطالعه‌ای به برآورد شاخص عدالت ترکیبی اتحادیه اروپا طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نمره کل شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی از حدود ۸ به ۸/۴ افزایش پیدا کرده</p>

مطالعه	اهم نتایج
	<p>است. در معنای دقیق‌تر، عدالت اجتماعی در حوزه فقر و بهبود انسجام اجتماعی روندی صعودی داشته اما در بخش‌های آموزش، بازار کار، سلامت و عدالت بین نسلی روندی نزولی با شدت و ضعف مختلف طی کرده است. اگر چه جمهوری اسلامی در یک دهه‌ی گذشته، از حیث بهبود زندگی گروه‌های آسیب‌پذیر و طبقات پایین درآمدی، عملکرد نسبتاً خوبی داشته است؛ به گونه‌ای که منجر به بهبود شاخص کل عدالت اجتماعی گردیده است اما روند نزولی در بازار کار و بخش‌های اجتماعی آموزش و سلامت، نگران کننده به نظر می‌رسد.</p>

منبع: (مطالعات تحقیق)

برخلاف روش آلکایر و فاستر (۲۰۱۱) که تنها سه بعد آموزش، بهداشت و استاندارد زندگی را با اوزان مساوی بر محاسبه فقر چند بعدی در نظر می‌گرفت، در این مطالعه با توجه به اطلاعات موجود در بودجه خانوار، ۵ بعد به تفکیک خانوارهای شهری و روستایی در نظر گرفته شده است) که طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۵ محاسبه شده است. هیچ مطالعه داخلی تا کنون با این وسعت زمانی و با استفاده از این شاخص‌ها و ابعاد به محاسبه شاخص فقر چند بعدی در ایران نپرداخته است. همچنین به دلیل فقدان داده برای محاسبه شاخص عدالت ترکیبی این شاخص طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ محاسبه شده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این طرح پژوهشی از دو شاخص استفاده شده است. در بخش اول روش‌شناسی شاخص فقر چند بعدی و در بخش دوم روش‌شناسی شاخص عدالت ترکیبی بیان شده است:

۳-۱. روش‌شناسی فقر چند بعدی

در این پژوهش برای محاسبه فقر چند بعدی از روش آلکایر و فاستر (۲۰۱۵) استفاده شده است که نشان دهنده محرومیت افراد جامعه در قابلیت‌های اولیه انسانی است و الگوی متفاوتی از فقر درآمدی ارائه می‌کند. یکی از مزیت‌های این روش این است که مفهوم فقر را به وسیله توزیع مشترک محرومیت‌ها بیان می‌کند و به‌ویژه برای گزارش پیشرفت سیاست‌های کاهش فقر و مقایسه عملکردهای اقتصادی

و اجتماعی کاربرد دارد و بسیار انعطاف‌پذیر است و به بسیاری از داده‌ها و ابعاد قابل انطباق است. همچنین انتخاب شاخص‌ها و معیارهای هر بعد باید متناسب و سازگار با شرایط اقتصادی هر کشور و همچنین دسترسی به اطلاعات باشد. در روش آلکایر و فاستر پس از شناسایی افراد فقیر با استفاده از دو آستانه محرومیت و فقر، وسعت و شدت فقر نیز محاسبه می‌شود. در این روش شاخص فقر چند بُعدی را افراد فقیر با استفاده از آستانه‌های محرومیت و فقر شناسایی کرده که شامل سه بعد سلامت، آموزش و استاندارد زندگی است و هر بعد شامل چند معیار است.

شاخص فقر چند بُعدی آلکایر و فاستر (AF) در دو مرحله، افراد فقیر را با استفاده از آستانه محرومیت^۱ و فقر شناسایی می‌کند. در مرحله اول شناسایی^۲ افراد فقیر، با استفاده از آستانه‌های محرومیت افراد محروم در هر بعد شناخته می‌شوند. در این روش فرض بر این است که دستیابی افراد جامعه مورد بررسی به شکل یک ماتریس (دسترسی)^۳ $X^{n,d} = [x_{ij}]$ است؛ x_{ij} دسترسی فرد i در نماگر j را نشان می‌دهد که در آن جامعه‌ای با n عضو (خانوار) و $d \geq 2$ تعداد نماگرهای مورد نظر شاخص فقر چند بُعدی می‌باشد (Alkire, 2011). برای هر یک از ابعاد یک آستانه محرومیت به صورت Z_j در نظر گرفته می‌شود به طوری که $Z_j \geq 0$ و نشان‌دهنده سطح آستانه محرومیت در نماگر j است که به صورت بردار سطری $Z = (Z_1, \dots, Z_d)$ نشان داده می‌شود. بردار سطری $w = (w_1, \dots, w_d)$ نشان‌دهنده‌ی بردار وزنی نماگرها می‌باشد. $w_j \geq 0$ نشان‌دهنده‌ی وزن نماگر j است به طوری که $\sum_{j=1}^d w_j = 1$ می‌باشد (Alkire et al, 2015). از طرفی بردار وزنی نشان‌دهنده‌ی اهمیت نسبی هر یک از نماگرها است. اگر نماگرها اهمیت یکسانی داشته باشند وزن یکسانی به آنها تعلق می‌گیرد و اگر برای تعیین افراد فقیر نماگری دارای اهمیت بیشتری باشد وزن بیشتری به خود اختصاص می‌دهد.

با استفاده از ماتریس دسترسی و آستانه‌های بردار محرومیت Z ، یک ماتریس محرومیت^۴ $g^0 = [g_{ij}^0]$ تعریف می‌شود. در این ماتریس $g_{ij}^0 = 0$ اگر $x_{ij} < Z_j$ در غیر این صورت $g_{ij}^0 = w_j$ ؛ به عبارتی g^0 یک ماتریس $n \times d$ است که نشان‌دهنده افراد محروم در هر نماگر است. از این ماتریس بردار ستونی جمع وزنی محرومیت‌ها

۱. Deprivation Cutoffs

۲. Identification

۳. Achievement Matrix

۴. Deprivation Matrix

$c = [c_i]$ به دست می‌آید که $c_i = \sum_{j=1}^d g_{ij}^0$ و $0 \leq c_i \leq 1$ و c_i تعداد وزن‌های محرومیت‌هایی است که فرد i تجربه می‌کند، c_i را می‌توان بردار محرومیت فرد i تعریف کرد که بدین صورت فرمول بندی می‌شود:

$$c_i = \sum_{j=1}^d w_j \quad \text{که در آن } I_j = 1 \text{ اگر خانوار در نماگر } z \text{ محروم باشد و در غیر این صورت } I_j = 0 \text{ است}$$

$$\sum_{j=1}^d w_j = 1$$

۳-۱-۱. گام شناسایی

پس از تعیین میزان محرومیت افراد، شناسایی افراد فقیر با استفاده از آستانه فقر k - که $0 < k \leq 1$ نسبت محرومیت‌های وزنی مورد نیاز برای این است که به لحاظ فقر چند بعدی، فرد فقیر در نظر گرفته شود و تابع شناسایی $p_k(x_i, z)$ صورت می‌گیرد (رابطه شماره ۱)

رابطه (۱)

$$\begin{cases} p_k(x_i, z) = 1 & \text{if } c_i \geq k \rightarrow \text{فرد } i \text{ فقیر است} \\ p_k(x_i, z) = 0 & \text{if } c_i < k \rightarrow \text{فرد } i \text{ فقیر نیست} \end{cases}$$

اگر فرد (i) فقیر باشد تابع شناسایی طبق رابطه شماره ۱ برابر یک و اگر شخصی فقیر نباشد تابع شناسایی صفر خواهد بود.

در مرحله شناسایی افراد غیر فقیر حذف می‌شوند؛ پس از شناسایی افراد فقیر برای محاسبه شاخص فقر از ماتریس سانسور شده $g^0(k) = [g_{ij}^0(k)]$ استفاده می‌شود که در آن

$$\begin{cases} g_{ij}^0(k) = g_{ij}^0 & \text{if } c_i \geq k \\ g_{ij}^0(k) = 0 & \text{if } c_i < k \end{cases} \quad \text{رابطه (۲)}$$

ماتریس محرومیت سانسور شده $g^0(k)$ را می‌توان با استفاده از تابع شناسایی و ماتریس محرومیت g^0 و بر اساس رابطه $g_{ij}^0(k) = g_{ij}^0 \times p_k(x_i, z)$ تعریف کرد. بنابراین اگر فردی فقیر باشد و تابع شناسایی وی برابر با $p_k(x_i, z) = 1$ باشد وضعیت محرومیت وی بدون تغییر باقی می‌ماند و اطلاعات محرومیت وی حفظ می‌شود و در صورتی که فردی فقیر نباشد با شناسایی $p_k(x_i, z) = 0$ اطلاعات وی با صفر جایگزین می‌شود.

پس از این مرحله می‌توان بردار ستونی نمره محرومیت‌های سانسور شده

$c(k) = [c_i(k)]$ را تشکیل داد که عبارت است از (Alkire et al, 2011, 2016):

$$\begin{cases} 0 \leq c_i(k) \leq 1 & \text{if } c_i(k) = c_i \\ c_i(k) = 0 & \text{if } c_i < k \end{cases} \quad \text{رابطه (۳)}$$

۳-۱-۲. گام تجمیع

پس از شناسایی افراد فقیر و تشکیل ماتریس محرومیت سانسور شده می‌توان در میان افراد شناسایی شده، میانگین گرفته و سنجه تجمیع M_α را با توجه به ماتریس سانسور شده $g^\alpha(k)$ به دست آورد:

$$M_\alpha(x; z) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^d g_{ij}^\alpha(k) \quad \text{s.t. } \alpha \geq 0 \quad \text{رابطه (۴)}$$

زمانی که $\alpha = 0$ است سنجه M_0 نسبت سرشمار تعدیل شده^۲ گفته می‌شود در واقع M_0 از دو شاخص شدت فقر^۳ (A) و نسبت سرشمار چند بعدی (H) تشکیل شده است. یعنی $M_0 = H \times A$ که نسبت سرشمار چند بعدی (H) که به صورت نسبت افراد فقیر به کل تعریف می‌شود و می‌توان آن را از رابطه شماره ۵ به دست آورد:

$$H = \frac{q}{n} \quad \text{رابطه (۵)}$$

که در این رابطه $q(k)$ تعداد افرادی است که بر اساس آستانه k به لحاظ چند بعدی فقیر محسوب شده‌اند و n جمعیت کل است. شدت فقر A ، میانگین میزان محرومیت است که افراد فقیر تجربه می‌کنند که به صورت رابطه شماره ۶ بیان می‌شود:

$$A = \frac{\sum_{i=1}^n c_i(k)}{q(k)} \quad \text{رابطه (۶)}$$

که در این رابطه $c_i(k)$ میزان محرومیت پنهانی فرد i و q تعداد افراد فقیر است که در این صورت شاخص فقر چند بعدی از رابطه شماره ۷ به دست می‌آید:

$$PI = M_\alpha = H \times A = \frac{q}{n} \times \frac{1}{q} \sum_{i=1}^n c_i(k) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n c_i(k) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^d w_j g_{ij}^0 \quad \text{رابطه (۷)}$$

۱. Aggregation measure

۲. Adjusted Headcount Ratio

۳. Breadth of poverty

۴. Multidimensional Headcount Ratio

که بر اساس این رابطه شاخص فقر چند بعدی حاوی اطلاعاتی است که وسعت و شدت فقر را نشان می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های مهم شاخص فقر چند بعدی این است که می‌توان آن را برای گروه‌ها یا مناطق مختلف جامعه محاسبه کرد؛ برای مثال اگر دو منطقه شهری و روستایی داشته باشیم:

$$MPI_{country} = \frac{n_u}{n} MPI_u + \frac{n_r}{n} MPI_r \quad (۸)$$

که در آن n_u نشان دهنده جمعیت شهری، n_r نماد جمعیت روستایی و $\frac{n_u}{n}$ نسبت جمعیت نواحی شهری به کل جمعیت به‌طور مشابه $\frac{n_r}{n}$ نسبت جمعیت نواحی روستایی به کل جمعیت است (Alkir & Foster, 2011, 480). در حقیقت $n_r + n_u = n$ و $MPI_{country}$ نشان دهنده شاخص فقر چند بعدی برای کل کشور و MPI_u نشان دهنده شاخص فقر در مناطق شهری MPI_r نشان دهنده شاخص فقر چند بعدی در مناطق روستایی است.

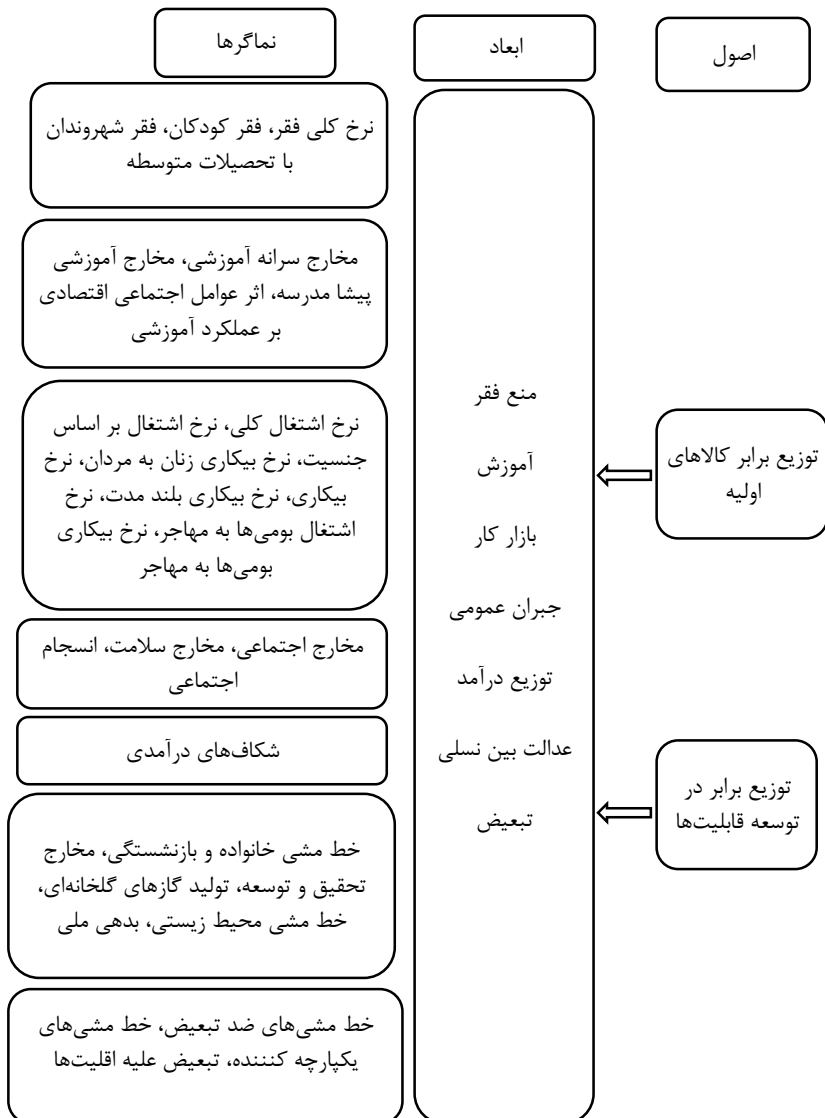
۳-۲. روش‌شناسی شاخص عدالت ترکیبی

شاخص ترکیبی عدالت به دنبال ایجاد ارتباط بین مباحث هنجاری مرتبط با عدالت اجتماعی و نتایج سیاست‌گذاری است. این شاخص ترکیبی در مدل‌های اولیه با در نظر گرفتن پنج بعد، (کاهش فقر، دسترسی به آموزش و شمول، فراگیری بازار کار، استانداردهای تأمین اجتماعی و توزیع ثروت و درآمد) و نه سنجه، برای کشورهای مختلف مورد سنجش قرار گرفت. طراحان و طرفداران این شاخص ترکیبی بر این باورند انتخاب ابعاد و سنجه‌ها برای این شاخص بایستی بر مبنای نظری باشد نه بر مبنای عمل‌گرایی و یا وضعیت مالی دولت و یا سیستم مالیاتی و اجتماعی. در راستای تکمیل این شاخص، در سال ۲۰۰۹ با در نظر گرفتن نظریه آمارتیا سن در باب عدالت اجتماعی دو بعد عدالت بین نسلی و تبعیض نیز به این شاخص افزوده شد. با توجه به تعریف و ساختار شاخص‌های ترکیبی، نگاهی به شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی طراحی شده برای کشورهای عضو OECD نشان می‌دهد این شاخص شامل سه بخش اصول نظریه، ابعاد و سنجه‌ها است (ثانی و سرآبادانی، ۱۳۹۸) که در نمودار شماره (۲) اصول نظریه عدالت، ابعاد و سنجه‌های

۱. Urban

۲. Rural

مورد استفاده در شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی برای کشورهای عضو OECD نشان داده شده است.



نمودار (۲): اصول نظریه عدالت، ابعاد و سنجه‌های مورد استفاده در شاخص

ترکیبی عدالت اجتماعی برای کشورهای عضو OECD

در نهایت شاخص ترکیب عدالت (SIJ) توسط موسسه برتلسمان در سال ۲۰۱۱ در شش عرصه تعدیل و تنظیم شد. این ابعاد شامل کاهش فقر، دسترسی به آموزش، شمول و فراگیری بازار کار، عدم تبعیض و انسجام اجتماعی، سلامت و نهایتاً عدالت بین نسلی می‌شود. همچنین برای هر کدام از این ابعاد، شاخص ترکیبی به ارائه ۳ الی ۸ سنجه پرداخت که از منظر طراحان این شاخص، بهترین توصیف و تبیین را در مورد هر کدام از ابعاد ارائه عدالت اجتماعی ارائه می‌دهند

۳-۲-۱. شاخص ترکیبی (SIJ)

شاخص عدالت ترکیبی بر اساس ۳۳ نماگر و جمعاً ۴۴ زیر سنجه در شش محور با وزن‌های تعریف شده بر اساس نظر خبرگان تعریف شده است. این شاخص در طی ۱۰ سال توسعه و تکامل یافته و به مرور به این شش محور و نماگرهای مرتبط با آن رسیده است که در جدول شماره ۳ ابعاد و سنجه‌ها به تفکیک هر بعد بیان شده‌اند:

جدول (۳): شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی

ردیف	ابعاد و وزن‌ها	سنجه‌ها
۱	پیشگیری از فقر (ضریب ۳)	(۱) نسبتی از جمعیت که در ریسک قرار گرفتن در تله فقر یا محرومیت اجتماعی هستند: تعداد افرادی که زیر ۱۸ سال که در معرض این خطر هستند. تعداد افرادی بالای ۶۵ سال که در معرض این خطر هستند. (۲) جمعیتی از خانوار که دارای اشتغال ناقص و شبه شغل هستند و بین صفر تا ۵۹ سال دارند. (۳) نسبتی از جمعیت که به دلیل شرایط اقتصادی غیر قابل پیش-بینی، قدرت تأمین نیازهای خوراکی ندارند این وضعیت برای افراد زیر ۱۸ سال و برای افراد بالای ۶۵ سال است. (۴) نرخ فقر درآمدی از جمعیت کل (پایین‌تر از ۶۰ درصد درآمد متوسط جامعه) - نرخ فقر برای خردسالان (صفر تا ۱۷ سال) و نرخ فقر برای کهن‌سالان (بالای ۶۵ سال)
۲	آموزش منصفانه	(۱) خط مشی آموزش (عملکرد خط مشی در ارائه با کیفیت،

سنجدها	ابعاد و وزن‌ها	ردیف
آموزش نظری و مهارتی کارا و عادلانه؛ سنجه کیفی (۲) زمینه و ریشه‌های سیاسی و اقتصادی و عملکرد دانش‌آموز (۳) درصد مخارج بخش عمومی از GDP در آموزش‌های پیش دبستانی (۴) نرخ ترک تحصیل از آموزش و یادگیری مهارت در سنین ۱۸ تا ۲۴ سالگی (۵) درصد جمعیتی از سن ۲۴ تا ۶۵ سال که کمتر از متوسط دوم تحصیل کرده‌اند	(ضریب ۲)	
(۱) نرخ اشتغال - نرخ اشتغال در بازه بین ۱۵ تا ۶۴ سال - نرخ اشتغال کهن‌سالان (۵۵ تا ۶۴ سال) - نرخ اشتغال مهاجرین به بومی‌ها در بازه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال - نرخ اشتغال زنان نسبت به مردان (۲) نرخ بیکاری - نرخ بیکاری بلندمدت - نرخ بیکاری جوانان - نرخ بیکاری نیروی کار کم مهارت (۳) نرخ اشتغال نیروی کار موقت (غیر اداری) (۴) نرخ ریسک قرار گرفتن در تله فقر برای شاغلین تمام‌وقت (۵) میزان پرداخت پایین (نرخ دریافت کنندگان دستمزد پایین از کل شاغلین به استثنای کارآموزان)	دسترسی به بازار کار (ضریب ۲)	۳
(۱) شاخص ترکیبی شمولیت اجتماعی (SGI) (عملکرد خط مشی در قدرت‌دهی به شمولیت و انسجام اجتماعی) (۲) ضریب جینی (۳) نبود تبعیض (SGI) (عملکرد خط مشی در مقابله با سیاست- های تبعیضی) (۴) برابری جنسیتی در پارلمان (نسبت تعداد کرسی‌های متعلق به زنان از کل پارلمان) (۵) خط مشی یکپارچگی و ادغام (SGI) (Integration Policy) عملکرد خط مشی‌ها در ادغام مهاجرین در جامعه) (۶) نرخ NEET (نرخ از جمعیت ۲۰ تا ۲۴ سال که شاغل	انسجام اجتماعی و نبود تبعیض (ضریب ۱)	۴

سنجدها	ابعاد و وزن‌ها	ردیف
نیستند و در عین حال در حال آموزش نظری و یادگیری مهارتی نیز نیستند)		
(۱) خط مشی سلامت (SGI) (عملکرد خط مشی در ارائه با کیفیت با هزینه بهینه و شمولیت بالا خدمات سلامت) (۲) تعداد خدمات درمانی خود اظهار شده که به دلیل گرانی یا صف طولانی تأمین نشده است. (۳) امید به زندگی سالم (۴) نظام سلامت؛ دسترسی و محدوده: میانگین مقادیر شاخص استاندارد شده « زمان انتظار برای درمان » و « محدوده و دسترسی به خدمات ارائه شده » (۵) رهاوردی‌های نظام سلامت حسب خروجی سنجده استاندارد شده مورد اشاره	سلامت (ضریب ۱)	۵
(۱) خط مشی خانواده (SGI) (عملکرد سیاست‌ها در توانمندسازی زنان در هر دو نقش خانواده و بازار کار) (۲) خط مشی‌های مرتبط با بازنشستگی (SGI) (Pension Policy) (عملکرد خط مشی در ارتقای بازنشستگان و بهبود فقر آن‌ها به‌گونه‌ای که به لحاظ بین نسلی عادلانه و کارا باشد) (۳) خط مشی زیست محیطی (SGI) (استفاده بهینه از منابع زیست‌محیطی و حفاظت از آن‌ها) (۴) تولید گازهای گلخانه‌ای (۵) سهم انرژی‌های تجدید پذیر (مصرف) از کل انرژی‌های مورد استفاده در بخش مصرف (۶) نسبت مخارج تحقیق و توسعه از GDP (۷) بدهی بخش عمومی از GDP (۸) نرخ وابستگی به کهن‌سالان (از درصد جمعی در سن کار)	عدالت بین نسلی (ضریب ۱)	۶

منبع: (Hellmann et al, 2019)

محاسبه این شاخص برای اقتصاد ایران با مشکل فقدان داده‌های آماری برای سنجدهای این شاخص روبرو بوده است؛ از این رو بایستی در گام نخست این شاخص را بومی‌سازی کرد. لذا مسیری اصلاحی برای بومی‌سازی این شاخص ترکیبی در نظر گرفته شد تا ضمن حفظ چارچوب و ساختار کلی شاخص ترکیبی

SJI، تغییرات در سطح سنجه‌ها و اصلاحات جزئی در مورد محورهای صورت پذیرد. از این منظر در گام اول ابتدا سعی شد تا ارزش محوری که هر سنجه این شاخص از آن نمایندگی می‌کنند بر مبنای تحلیل منطقی سنجه‌ها، استخراج گردد تا ملاک تعیین سنجه‌ها در این شاخص مشخص شود. جدول شماره ۴ ارزش‌های محوری هر بعد به تفکیک سنجه‌های آن را نشان می‌دهد.

با آشکارسازی ارزش محوری هر سنجه، راه برای تغییر سنجه‌ها متناسب با محدودیت‌های فوق‌الذکر و نزدیک کردن شاخص به فضای اقتصادی ایران فراهم شد و در گام دوم سعی شد تا نزدیک‌ترین سنجه‌ها از منظر مفهومی به سنجه‌هایی که در آن‌ها با فقدان آمار و اطلاعات روبرو هستیم انتخاب و جایگزین گردد. از این رو در جدول شماره ۴ منطق انتخاب هر سنجه، متناسب با ارزش‌های محوری شاخص عدالت اجتماعی SJI نیز ذکر شده است.

جدول (۴): ارزش‌های محوری مورد سنجش در شاخص SJI

ردیف	ابعاد	ارزش‌ها و معیارهای مورد سنجش
۱	پیشگیری از فقر	- جلوگیری از قرار گرفتن افراد در زیر خط فقر - تأکید بر کاهش فقر حاشیه‌ای (سنی- گروهی یا منطقه‌ای) مبارزه با فقر غذایی و خوراکی (فقر بیولوژیک) کاهش جمعیت شاغلین فقیر تأکید بر کاهش فقر درآمدی
۲	آموزش منصفانه	- خط مشی آموزش عادلانه (آموزش با کیفیت، کارآمد و منکی بر آموزش نظری و مهارتی) - تأکید بر زمینه‌های غیر اقتصادی عملکرد یک دانش‌آموز - مخارج دولت مرکزی در حوزه آموزش عمومی و پایه - مبارزه با بی‌سوادی و ترک تحصیل زودهنگام
۳	دسترسی به بازار کار	- کاهش نرخ بیکاری و افزایش نسبت اشتغال - مبارزه با بیکاری حاشیه‌ای (سنی، منطقه‌ای و جنسیتی و گروهی) - کاهش موقتی سازی قراردادهای با نیروی کار (امنیت شغلی) - مبارزه با قرار گرفتن افراد در معرض فقر (دستمزد پایین)
۴	انسجام اجتماعی و نبود تبعیض	- تأکید بر خط مشی گذاری فراگیر در حوزه امتیازات و مجازات اجتماعی - کاهش انواع نابرابری‌های ناموجه

ارزش‌ها و معیارهای مورد سنجش	ابعاد	ردیف
- مبارزه با سیاست‌های تبعیضی (نژاد، جنسیت، قوم و مذهب) - برابری جنسیتی (سیاسی - اقتصادی - اجتماعی) - سیاست‌های ادغام و پذیرش مهاجرین با بومی‌ها - کاهش جمعیت فعال و آماده به کار غیر ماهر (مأیوس شدگان اجتماعی)		
- خدمات سلامت عمومی با کیفیت با هزینه بهینه و فراگیری زیاد - کاهش صف پاسخگویی به تقاضاهای بخش سلامت - افزایش امید به زندگی سالم - استانداردسازی زمان مورد انتظار درمان و دسترسی کامل به خدمات سلامت - بهبود خروجی‌های نظام سلامت	سلامت	۵
- خط مشی خانواده: توانمندسازی هم‌زمان زنان در خانه و بازار کار - ارتقای سطح کیفیت زندگی و معیشت بازنشستگان به شیوه کارا - حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی بین نسلی - افزایش هزینه تحقیق و توسعه جهت بهره‌برداری نسل آتی - نرخ رشد جمعیت و مبارزه با کهن‌سالی جمعیت - کاهش وابستگی و بدهی بخش عمومی به منابع نسل آتی - تجدید نظر در ساختار و سبد مصرف انرژی مصرفی	عدالت بین نسلی	۶

منبع: (ثانی و سرآبادانی، ۱۳۹۸)

۴. روش‌شناسی نماگرهای ترکیبی

پس از بررسی مبانی نظری و اجزای عدالت اجتماعی، نوبت به معرفی متدولوژی شاخص می‌رسد؛ روشی که بتواند اجزای مختلف عدالت را در کنار یکدیگر قرار دهد. در این مرحله بایستی بتوان برای سنجش‌های تعریف شده در شاخص عدالت، متغیرهای عددی مشخص شود و با استفاده از پایگاه‌های داخلی و بین‌المللی داده‌ها را جمع‌آوری کرد. از طرفی تعدادی از سنجش‌ها که در شاخص عدالت موجود می‌-

باشند سنجه‌های منفی هستند که با افزایش میزان سنجه، شاخص کل عدالت اجتماعی کاهش می‌یابد. برای هم‌جهت کردن شاخص‌های مثبت و منفی با هم، تمامی شاخص‌های منفی معکوس و منجر به نرمال سازی داده‌ها می‌شود. شاخص‌های به کار گرفته شده در این گزارش، مقیاس‌های متفاوتی دارند از این رو نمی‌توان از روش‌های نرمال سازی متعارف مانند نرم خطی یا نرم اقلیدسی اقدام به یکسان‌سازی دامنه اعداد نمود. برای این پژوهش از روش‌شناسی به کار رفته در تولید شاخص‌های حکمرانی پایدار ۱ که مبنای روش‌شناسی شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی اتحادیه اروپا SJI نیز بوده استفاده شد تا نرمال سازی داده‌ها متأثر از نوع مقیاس و کیفیت داده‌ها از لحاظ دامنه تغییرات نشود.

بر اساس این روش‌شناسی همه شاخص‌ها با استفاده از فرمول‌های زیر در دامنه صفر تا ۱۰ قرار می‌گیرند به صورتی که عدد ۱۰ برای بالاترین حد ممکن و قابل تصور برای شاخص و عدد صفر برای پایین‌ترین مقدار در نظر گرفته می‌شود. در ابتدا بر اساس دو فرمول زیر حد پایین و حد بالای شاخص تعیین می‌شود. در این دو فرمول p_{25} چارک اول و p_{75} چارک سوم است و IQR چارک دوم و یا همان میانه است. سپس با استفاده از تابع زیر مشخص می‌شود که هر عدد از شاخص چه مقداری در بازه صفر تا ده را باید به خود اختصاص دهد. فارغ از اینکه چه روشی برای وزندهی اتخاذ می‌شود، وزندهی از گام‌هایی است که تأثیر جدی بر نتیجه نماگر ترکیبی و رتبه‌بندی نهایی دارد. وزندهی در شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی اتحادیه اروپا نه بر اساس روش‌های وزندهی آماری بلکه کاملاً برآمده از مبانی نظری محققان است. تجمیع داده‌ها نیز روش‌های متعددی دارد که ساده‌ترین آن‌ها تجمیع خطی است. در این پژوهش مانند پژوهش (ثانی و سرآبادانی، ۱۳۹۸) میانگین‌گیری وزنی، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است بازه‌ی نمره-های شاخص برای ابعادی که ضریب ۳ دارند؛ از (۰-۳۰) ضریب ۲؛ (۰-۲۰) و در نهایت ضریب ۱ بین (۰ تا ۱۰) است به‌گونه‌ای که عدد بیشتر نشان دهنده وضعیت بهتر شاخص است.

۵. سنجش مدل‌ها و ارائه نتایج

در قسمت اول این بخش، نتایج مدل فقر چند بعدی ارائه شده است و در قسمت

دوم نتایج مدل شاخص عدالت ترکیبی بیان شده است.

۵-۱. نتایج مدل فقر چند بعدی

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش داده‌های خام طرح آمارگیری از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار است که توسط مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۸ بر پایه اطلاعات شهری و روستایی جمع‌آوری شده است. همچنین حجم نمونه‌ها در سال‌های مختلف یکسان نیست و در محاسبه شاخص آلکایر و فاستر خانوارهایی که فاقد تمامی اطلاعات در تمامی ابعاد بودند حذف شدند. خوشبختانه داده‌های پرسشنامه طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران قابلیت محاسبه تمامی ابعاد را دارد و فقط در بعد سلامت باید از معیارهای جایگزین استفاده کرد. برخلاف روش آلکایر و فاستر (۲۰۱۱) که تنها سه بعد آموزش، بهداشت و استاندارد زندگی را برای محاسبه فقر چند بعدی در نظر گرفت. در این پژوهش از یازده شاخص در قالب پنج بعد استفاده شده است که عبارت‌اند از:

۱. آموزش: شامل دو شاخص-وضعیت سواد سرپرست خانواده و رفتن به مدرسه کودکان ۶ تا ۱۶ ساله
 ۲. سلامت خانوار: شامل شاخص وضعیت بیمه خانوار
 ۳. اشتغال: شامل شاخص وضعیت شاغل بودن سرپرست خانوار
 ۴. مسکن: شامل دو شاخص تراکم جمعیت و نوع مصالح ساختمانی
 ۵. استاندارد زندگی: شامل پنج شاخص- دسترسی به برق، دسترسی به آب سالم، دسترسی به سیستم تخلیه فاضلاب، سوخت برای پخت و پز و مالکیت دارایی.
- جدول شماره ۵ جزئیات ابعاد، زیر شاخص‌ها و وزن‌های مربوط به هر یک از آنها را که در محاسبه شاخص فقر چند بعدی ایران در نظر گرفته شدند نشان می‌دهد.

جدول (۵): ابعاد، شاخص‌ها، وزن‌ها و حدود محرومیت در MPI

وزن	محرورم است اگر ...	زیر شاخص	ابعاد
$\frac{1}{10}$ $\frac{1}{10}$	سرپرست خانوار ۵ کلاس تحصیل نداشته باشد. حداقل یک کودک در سن تحصیل ۶ تا ۱۶ سال وجود داشته باشد که تحصیل نمی‌کند.	سال‌های تحصیل حضور فرزند در مدرسه	آموزش ($\frac{1}{5}$)
$\frac{1}{5}$	اعضای خانوار بیمه درمانی نداشته باشد.	بیمه درمانی	سلامت ($\frac{1}{5}$)

وزن	محروم است اگر	زیر شاخص	ابعاد
$\frac{1}{5}$	سرپرست خانوار بیکار باشد.	شاغل بودن سرپرست خانوار	اشتغال ($\frac{1}{5}$)
$\frac{1}{10}$ $\frac{1}{10}$	سطح سرانه زیر بنا کمتر از ۱۶ مترمربع باشد. مصالح بی دوام (جنس واحد مسکونی از خشت و چوب یا خشت و گل باشد).	سطح زیر بنا نوع مصالح	مسکن ($\frac{1}{5}$)
$\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$	خانواری که برق نداشته باشد. سیستم تخلیه فاضلاب ندارد و یا مشترک با خانوار دیگر است. خانوار به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشته باشد. سوخت پخت و پز چوب یا کربن باشد. خانوار حداکثر یکی از این موارد یعنی رادیو، تلویزیون، تلفن، دوچرخه، موتور و یخچال را در تملک داشته باشد و نیز ماشین یا کامیون نداشته باشد.	برق سیستم تخلیه فاضلاب آب سوخت پخت و پز تملك دارایی	استاندارد زندگی ($\frac{1}{5}$)

منبع: (مطالعات تحقیق)

اندازه گیری شاخص فقر چند بعدی نیازمند انتخاب آستانه دوم k می باشد زیرا با انتخاب این آستانه فقرای چند بعدی شناسایی می شوند و می تواند این گونه ($0 \leq k \leq 1$) باشد. در این پژوهش مرزی که برای شناسایی افراد فقیر در نظر گرفته شده است مطابق با روش آلکایر و فاستر ۲۰۱۱ برابر با $۰/۳۳$ است.

۵-۱-۱. سرشمار فقر چندبعدی (H) جامعه شهری و روستایی

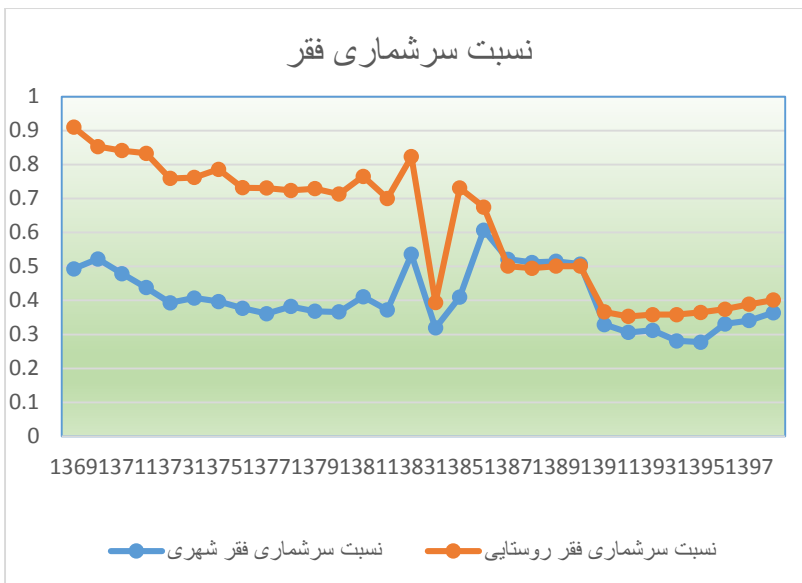
شاخص نسبت سرشمار چند بُعدی، شدت فقر را نشان نمی دهد بلکه این شاخص بیانگر درصد افرادی است که فقیر چند بُعدی محسوب می شوند. با توجه به جدول شماره ۶ و نمودار شماره ۳، تحلیل داده ها نشان می دهد که در مناطق روستایی نسبت سرشمار در طی سال های مورد بررسی به استثناء سال های ۸۳، ۸۵ و ۸۶ روندی کاهشی داشته است که اندازه آن از سال ۶۹ با رقم $۰/۹۱$ به $۰/۳۷$ در سال ۹۶ کاهش یافته است. در مجموع یافته های پژوهش نشان می دهد که نسبت سرشمار چند بعدی در مناطق روستایی از نسبت سرشمار در مناطق شهری بیشتر است که این نتیجه بیانگر این است که در مناطق روستایی افراد فقیر بیشتری در مقایسه با مناطق شهری شناسایی شده اند. طی سال های ۸۷ تا ۹۰ این نسبت در

مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است که علت آن می‌تواند تورم‌های بالا و رکود اقتصادی و اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌های اقتصادی باشد.

جدول (۶): شاخص نسبت سرشمار فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی
ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

آستانه فقر $K = 0/3$		سال	آستانه فقر $K = 0/3$		سال
شهری	روستایی		شهری	روستایی	
۰/۳۱۹	۰/۳۹۴	۱۳۸۴	-	-	۱۳۶۸
۰/۴۱۰	۰/۷۳۱	۱۳۸۵	۰/۴۹۳	۰/۹۱۰	۱۳۶۹
۰/۶۰۷	۰/۶۷۵	۱۳۸۶	۰/۵۲۲	۰/۸۵۳	۱۳۷۰
۰/۵۲۱	۰/۵۰۱	۱۳۸۷	۰/۴۷۹	۰/۸۴۱	۱۳۷۱
۰/۵۱۲	۰/۴۹۵	۱۳۸۸	۰/۴۳۸	۰/۸۳۳	۱۳۷۲
۰/۵۱۵	۰/۵۰۱	۱۳۸۹	۰/۳۹۳	۰/۷۵۹	۱۳۷۳
۰/۵۰۷	۰/۵۰۱	۱۳۹۰	۰/۴۰۷	۰/۷۶۲	۱۳۷۴
۰/۳۲۹	۰/۳۶۶	۱۳۹۱	۰/۳۹۷	۰/۷۸۶	۱۳۷۵
۰/۳۰۶	۰/۳۵۳	۱۳۹۲	۰/۳۷۷	۰/۷۳۲	۱۳۷۶
۰/۳۱۲	۰/۳۵۸	۱۳۹۳	۰/۳۶۱	۰/۷۳۱	۱۳۷۷
۰/۲۸۱	۰/۳۵۸	۱۳۹۴	۰/۳۸۲	۰/۷۲۴	۱۳۷۸
۰/۲۷۷	۰/۳۶۵	۱۳۹۵	۰/۳۶۸	۰/۷۲۹	۱۳۷۹
۰/۳۳۱	۰/۳۷۴	۱۳۹۶	۰/۳۶۶	۰/۷۱۳	۱۳۸۰
۰/۳۴۱	۰/۳۸۹	۱۳۹۷	۰/۴۱۱	۰/۷۶۵	۱۳۸۱
۰/۳۶۴	۰/۴۰۱	۱۳۹۸	۰/۳۷۲	۰/۷۰۰	۱۳۸۲
			۰/۵۳۶	۰/۸۲۳	۱۳۸۳

منبع: (محاسبات تحقیق)



منبع: (محاسبات تحقیق)

نمودار (۳): شاخص نسبت سرشمار فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

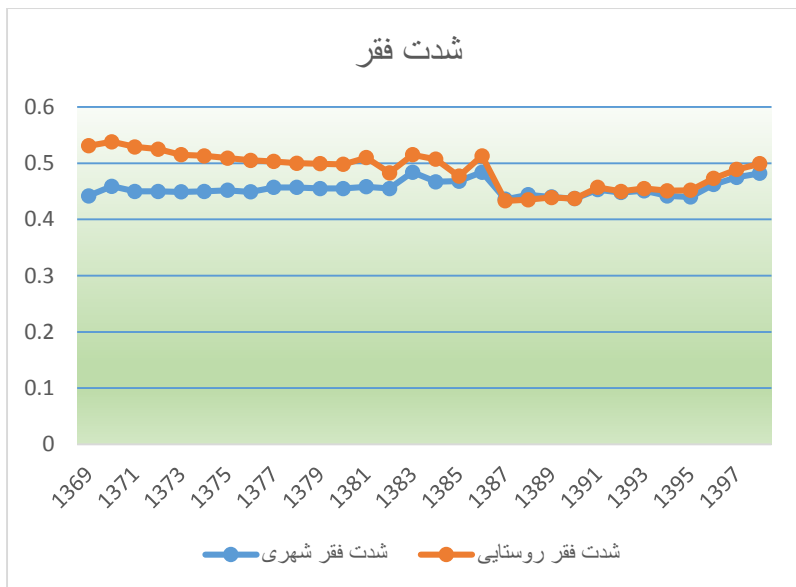
۵-۲. تحلیل نتایج شدت فقر چند بعدی (A)

جدول شماره ۷ و نمودار شماره ۴ شدت فقر چند بعدی را در مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸ نشان می‌دهد. شاخص نسبت سرشمار، شدت فقر را نشان نمی‌دهد. به پیشنهاد آلکایر و فاستر شاخص شدت فقر از طریق محاسبه میانگین شدت فقر برای فقرا محاسبه می‌شود. شایان ذکر است این شاخص نیز وسعت فقر را نشان نمی‌دهد. فقط بیانگر عمق فقر در جوامع است. همان طور که ملاحظه می‌شود شدت فقر در مناطق روستایی به استثنای سال‌های ۸۷، ۸۸ و ۸۹ از مناطق شهری بیشتر است. که بیانگر این است که افراد در ابعاد بیشتری محروم هستند. بررسی روند شدت فقر در مناطق روستایی نشان می‌دهد که شدت فقر از ۰/۵۳ در سال ۶۹ به ۰/۴۹ در سال ۱۳۹۸ رسیده است.

جدول (۷): شدت فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

آستانه فقر $K = 0/3$		سال	آستانه فقر $K = 0/3$		سال
شهری	روستایی		شهری	روستایی	
۰/۴۸۴	۰/۵۱۵	۱۳۸۳	-	-	۱۳۶۸
۰/۴۶۷	۰/۵۰۷	۱۳۸۴	۰/۴۴۲	۰/۵۳۱	۱۳۶۹
۰/۴۶۸	۰/۴۷۷	۱۳۸۵	۰/۴۵۹	۰/۵۳۸	۱۳۷۰
۰/۴۸۴	۰/۵۱۳	۱۳۸۶	۰/۴۵۰	۰/۵۲۹	۱۳۷۱
۰/۴۳۶	۰/۴۳۳	۱۳۸۷	۰/۴۵۰	۰/۵۲۵	۱۳۷۲
۰/۴۴۴	۰/۴۳۵	۱۳۸۸	۰/۴۴۹	۰/۵۱۵	۱۳۷۳
۰/۴۴۰	۰/۴۳۹	۱۳۸۹	۰/۴۵۰	۰/۵۱۳	۱۳۷۴
۰/۴۳۷	۰/۴۳۷	۱۳۹۰	۰/۴۵۲	۰/۵۰۹	۱۳۷۵
۰/۴۵۳	۰/۴۵۷	۱۳۹۱	۰/۴۴۹	۰/۵۰۵	۱۳۷۶
۰/۴۴۸	۰/۴۵۰	۱۳۹۲	۰/۴۵۷	۰/۵۰۳	۱۳۷۷
۰/۴۵۱	۰/۴۵۵	۱۳۹۳	۰/۴۵۷	۰/۵۰۰	۱۳۷۸
۰/۴۴۲	۰/۴۵۱	۱۳۹۴	۰/۴۵۵	۰/۴۹۹	۱۳۷۹
۰/۴۴۰	۰/۴۵۲	۱۳۹۵	۰/۴۵۵	۰/۴۹۸	۱۳۸۰
۰/۴۶۲	۰/۴۷۳	۱۳۹۶	۰/۴۵۸	۰/۵۱۰	۱۳۸۱
۰/۴۷۵	۰/۴۸۹	۱۳۹۷	۰/۴۵۵	۰/۴۸۳	۱۳۸۲
۰/۴۸۲	۰/۴۹۹	۱۳۹۸			

منبع: (محاسبات تحقیق)



منبع: (محاسبات تحقیق)

نمودار (۴): شدت فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

۵-۱-۳. شاخص فقر چند بعدی (MPI) جامعه شهری و روستایی

هر کدام از دو شاخص نسبت سرشمار و شدت فقر معیاری را در نشان دادن فقر چند بعدی دارند. نسبت سرشمار به شدت فقر توجهی ندارد و همچنین شاخص شدت فقر، وسعت فقر را نشان نمی‌دهد. آلفاکیر و فاستر برای رفع عیب این دو شاخص، شاخص نسبت سرشمار تعدیل شده را که از حاصل ضرب این دو شاخص به دست می‌آید را پیشنهاد کردند.

جدول شماره (۸) و نمودار شماره ۵ سری زمانی شاخص فقر چند بعدی آلفاکیر و فاستر را نشان می‌دهد. روند این شاخص در مناطق روستایی در طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۲ کاهشی بوده و از ۰/۴۸ در سال ۱۳۶۹ به ۰/۳۳ در سال ۱۳۸۲ رسیده است که این کاهش به منزله کاهش وسعت و شدت فقر چند بعدی در طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۸۲ در مناطق روستایی نیز است. از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ با یک روند نوسانی فقر رو به رو هستیم که توجه به تحولات اقتصادی و سیاسی در ایران طی این سال‌ها تا حد زیادی می‌تواند روند نامنظم این نمودار را توجیه کند. از

سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ با کاهش نرخ فقر در مناطق روستایی مواجه بوده‌ایم. در خصوص خانوارهای شهری این شاخص در سال ۱۳۷۰ برابر ۰/۲۳۹ است که بالاترین میزان طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۲ است که بعد از آن طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۲ یک روند نوسانی را تجربه می‌کند اما طی این سال‌ها این شاخص در سال ۱۳۸۲ برابر با ۰/۲۶۰ و در سال ۱۳۸۶ برابر با ۰/۲۹۴ است که بالاترین مقدار شاخص فقر چند بعدی طی سال‌های مورد مطالعه است که علت آن می‌تواند تورم‌های بالا و رکود اواخر دهه ۱۳۸۰ باشد. در سال ۱۳۹۶ شاهد یک افزایش در شاخص فقر چند بعدی هم برای خانوار شهری و هم روستایی هستیم که علت آن می‌تواند نوسانات نرخ ارز و تحریم اقتصادی باشد.

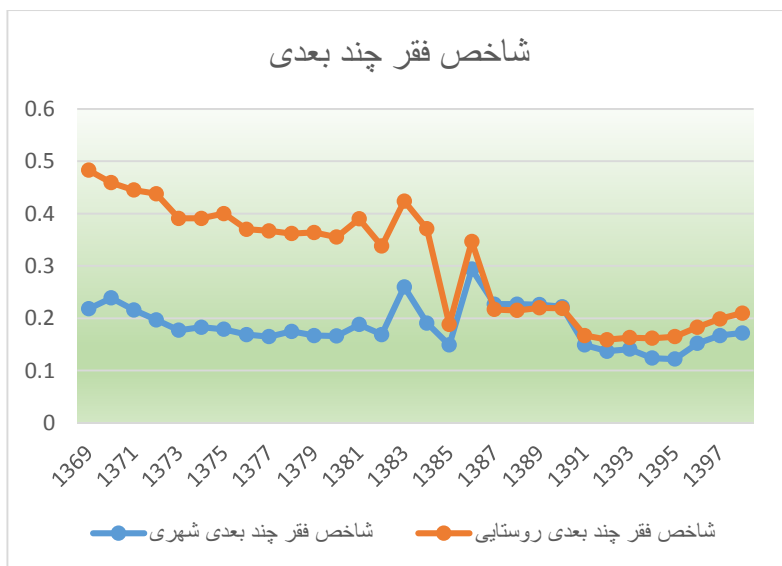
جدول (۸): شاخص فقر چند بعدی آلکایر و فاستر در مناطق شهری و روستایی

ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

آستانه فقر K=0.3		سال	آستانه فقر K=0.3		سال
شهری	روستایی		شهری	روستایی	
۰/۲۶۰	۰/۴۲۴	۱۳۸۳	-	-	۱۳۶۸
۰/۱۹۱	۰/۳۷۱	۱۳۸۴	۰/۲۱۸	۰/۴۸۳	۱۳۶۹
۰/۱۴۹	۰/۱۸۸	۱۳۸۵	۰/۲۳۹	۰/۴۵۹	۱۳۷۰
۰/۲۹۴	۰/۳۴۷	۱۳۸۶	۰/۲۱۶	۰/۴۴۵	۱۳۷۱
۰/۲۲۷	۰/۲۱۷	۱۳۸۷	۰/۱۹۷	۰/۴۳۸	۱۳۷۲
۰/۲۲۷	۰/۲۱۵	۱۳۸۸	۰/۱۷۷	۰/۳۹۱	۱۳۷۳
۰/۲۲۶	۰/۲۲۰	۱۳۸۹	۰/۱۸۳	۰/۳۹۱	۱۳۷۴
۰/۲۲۲	۰/۲۱۹	۱۳۹۰	۰/۱۷۹	۰/۴۰۰	۱۳۷۵
۰/۱۴۹	۰/۱۶۷	۱۳۹۱	۰/۱۶۹	۰/۳۷۰	۱۳۷۶
۰/۱۳۷	۰/۱۵۹	۱۳۹۲	۰/۱۶۵	۰/۳۶۷	۱۳۷۷
۰/۱۴۱	۰/۱۶۳	۱۳۹۳	۰/۱۷۵	۰/۳۶۲	۱۳۷۸
۰/۱۲۴	۰/۱۶۲	۱۳۹۴	۰/۱۶۷	۰/۳۶۴	۱۳۷۹
۰/۱۲۲	۰/۱۶۵	۱۳۹۵	۰/۱۶۶	۰/۳۵۵	۱۳۸۰
۰/۱۵۲	۰/۱۸۳	۱۳۹۶	۰/۱۸۸	۰/۳۹۰	۱۳۸۱
۰/۱۶۷	۰/۱۹۹	۱۳۹۷	۰/۱۶۹	۰/۳۳۸	۱۳۸۲

آستانه فقر K=0.3		سال	آستانه فقر K=0.3		سال
شهری	روستایی		شهری	روستایی	
۰/۱۷۲	۰/۲۱۰	۱۳۹۸			

منبع: (محاسبات تحقیق)



منبع: (محاسبات تحقیق)

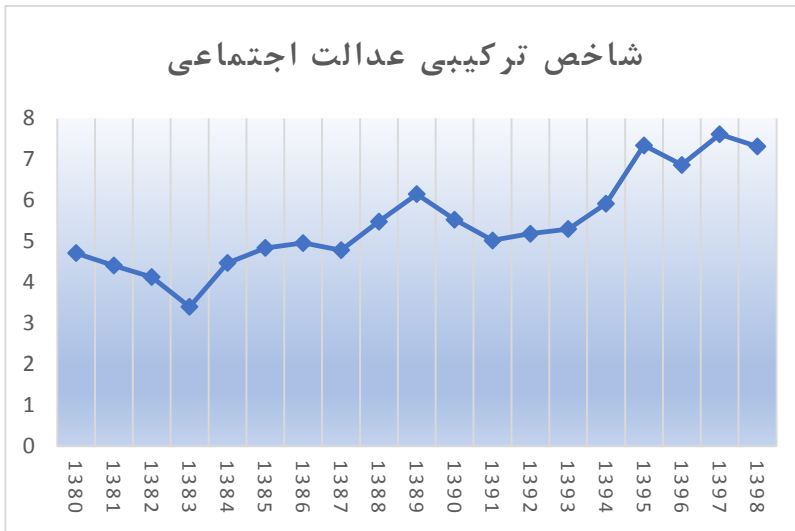
نمودار (۵): شاخص فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

۵-۲. نتایج سنجش شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی اتحادیه اروپا برای ایران

۵-۲-۱. روند کلی شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی

بر اساس داده‌های ۳۶ سنجه در ۶ محور با ضرایب مشخص در هر محور (جمع کل ضرایب ۱۰ است)، نمره کل شاخص ترکیبی بر اساس شاخص عدالت اجتماعی موسسه برتلسمان برای ایران محاسبه گردید. نتایج این محاسبه نشان می‌دهد شاخص در بازه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ با روند صعودی روبرو بوده است و در نهایت نمره

کل از حدود ۴,۷۲ در سال ۱۳۸۰ به ۷,۳۲ در سال ۱۳۹۸ رسیده است. اگر چه روند این شاخص بهبود شاخص ترکیب عدالت اجتماعی در ایران را نشان می‌دهد و میانگین این شاخص طی سال‌های مورد مطالعه ۵,۴۴ است که در مقایسه با دیگر کشورها جایگاه رو به بالایی را برای ایران نشان می‌دهد لیکن با واقعیت‌های موجود در جامعه هم‌خوانی ندارد شاید بتوان علت آن را کیفیت داده‌ها جستجو کرد. آن گونه که نمودار شماره ۶ نشان می‌دهد در این بازه زمانی سال ۱۳۸۳ دارای کمترین و سال ۱۳۹۷ دارای بالاترین نمره در سال‌های مورد مطالعه است .



نمودار (۶): شاخص کل ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران

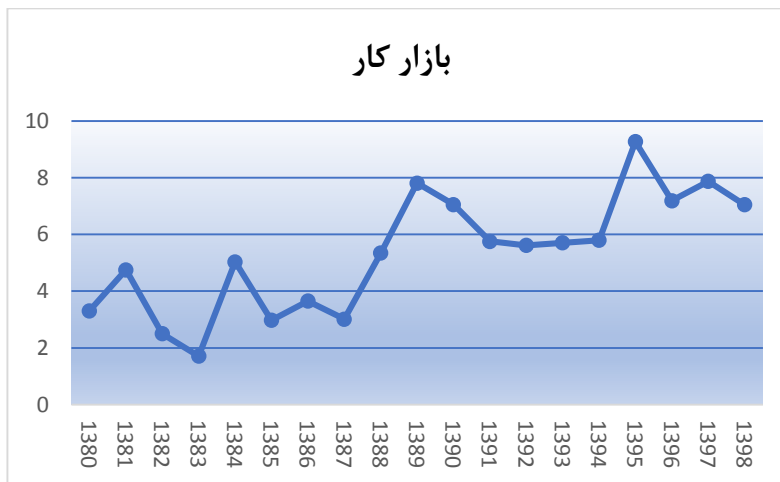
جدول (۹): آمار توصیفی شاخص کل ترکیبی عدالت اجتماعی

میانگین	انحراف معیار	میانه	حداکثر	حداقل
5/44	0/26	5/18	7/61	3/39

۵-۲-۲. روند شاخص در بخش بازار کار

محور اول در شاخص ترکیبی، حوزه دسترسی به بازار کار به معنای امکان مشارکت در فرایند تولید و شرایط منصفانه کاری مانند دستمزد عادلانه است. روند کلی نمره شاخص در این بخش نوسانی بوده که معلول شرایط نامساعد و بی ثبات بازار کار در ایران در دهه‌های گذشته به واسطه عدم تعادل‌های بنیادین عرضه و تقاضای نیروی

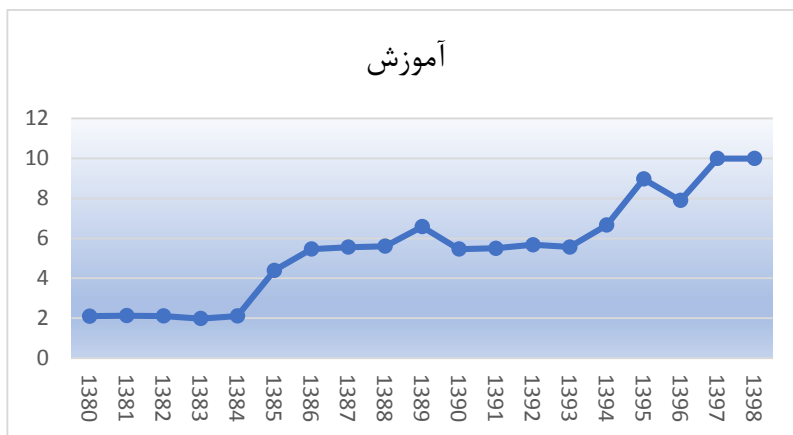
کار بوده است. از این جهت نمره کل از حدود ۳,۳۱ در سال ۱۳۸۰ به ۷,۰۵ در سال ۱۳۹۸ افزایش پیدا کرده است. به طوری که اندازه این شاخص در طی دوره یاد شده به شدت نوسانی بوده که بیشترین مقدار مربوط به سال ۱۳۹۵ و کمترین مقدار شاخص مربوط به سال ۱۳۸۳ است. افزایش نرخ بیکاری؛ افراد تحصیل کرده، گروه-های آسیب‌پذیر مانند جوانان، زنان و مناطق محروم از جمله عوامل کاهشده نمره کل شاخص ترکیبی و افزایش نفوذ بیمه در میان شاغلین و کاهش شکاف دستمزد از جمله عوامل فزاینده نمره کل شاخص بوده است.



نمودار (۷): شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران: حوزه بازار کار

۵-۲-۳. روند شاخص در بخش آموزش

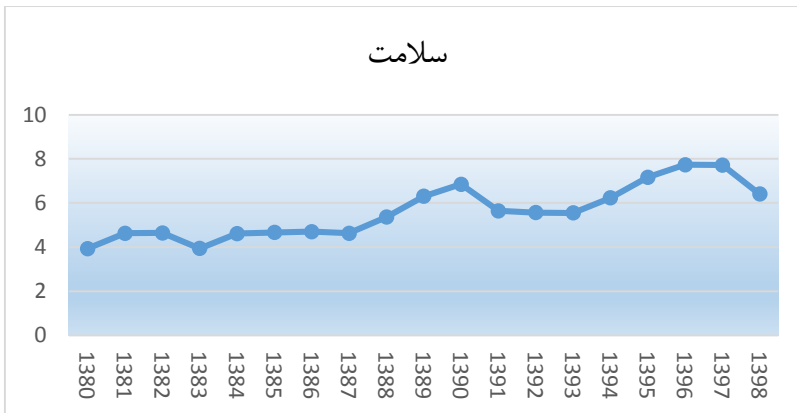
محور دوم شاخص، دسترسی فراگیر به خدمات آموزش و تحقق عدالت آموزشی است که نمره کل شاخص از حدود ۲,۱۱ به ۱۰ افزایش یافته و نشان دهنده این است که در سال‌های اخیر، وضعیت آموزش در کشور به واسطه توسعه تحصیلات آموزشی روند رو به رشدی داشته است. البته ذکر این نکته لازم است اگر چه ایران به جهت توسعه تحصیلات تکمیلی و افزایش نرخ ثبت نام اولیه و ثانویه از جمله کشورهای برتر منطقه و حتی جهان است لیکن سیاست‌های کلی در بخش آموزش به گونه‌ای بوده است که بیشتر به بعد کمی آموزش توجه شده تا بعد کیفی و آثار آن را می-توان در عدم ارتباط دانشگاه و صنعت در کشور نیز مشاهده نمود.



نمودار (۸): شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران: حوزه آموزش

۵-۲-۴. روند شاخص در بخش سلامت

محور سوم، روند شاخص ترکیبی در حوزه سلامت است. روند کلی شاخص در این محور، یک روند نوسانی است که نمره کل این شاخص از حدود ۳,۹۴ در سال ۱۳۸۰ به ۶,۴۱ در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است. افزایش امید به زندگی، کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال و افزایش ضریب نفوذ بیمه از جمله عوامل فزاینده نمره کل شاخص بوده است. اما آنچه باعث نزولی شدن نمره کل شاخص است، کاهش شدید نمره سنج توزیع منطقه‌ای تخت‌های بیمارستانی (به عنوان تقریبی از دسترسی عادلانه خدمات بخش سلامت) و افزایش قابل توجه سهم پرداخت از جیب است که علی‌رغم طرح‌هایی مانند طرح تحول سلامت تأثیر چندان مثبتی در کاهش این دسته پرداخت‌ها نداشته است.

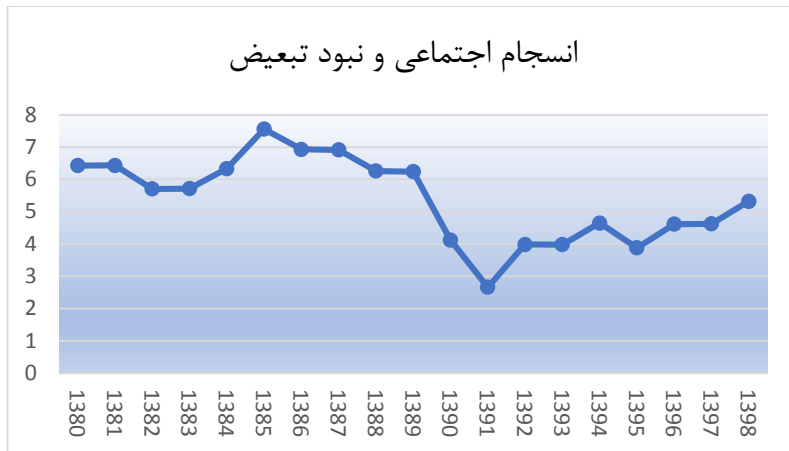


نمودار (۹): شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران حوزه سلامت

۵-۲-۵. روند شاخص در بخش انسجام اجتماعی و نبود تبعیض

چهارمین محور در شاخص کل، روند شاخص در بخش انسجام اجتماعی و نبود تبعیض است. این محور در شاخص ترکیبی اتحادیه اروپا ناظر بر مفهوم « فراگیری یا شمولیت»^۱ تعریف شده که به معنای امکان و دسترسی عمومی برای همه گروه‌های اجتماعی با هر رنگ، نژاد، جنسیت و عقیده است. وضعیت کلی شاخص در این بخش روند نزولی داشته به گونه‌ای که نمره کل از ۶,۴۳ به ۵,۳۲ افزایش پیدا کرده است. علی‌رغم روند تقریباً ثابت نمره سنج « ضریب جینی» به عنوان تقریبی از توزیع درآمد برابر، اما نمره سنج‌های توسعه جذب نخبگان، افزایش سطح نفوذ تحصیلات در زنان، افزایش جمعیت حامیان ایتم و کاهش جرائم کودکان و نوجوانان از جمله عوامل فزاینده نمره شاخص در این بخش بوده است. در نمودار شماره ۱۰، روند کلی شاخص در این بخش ذکر شده است:

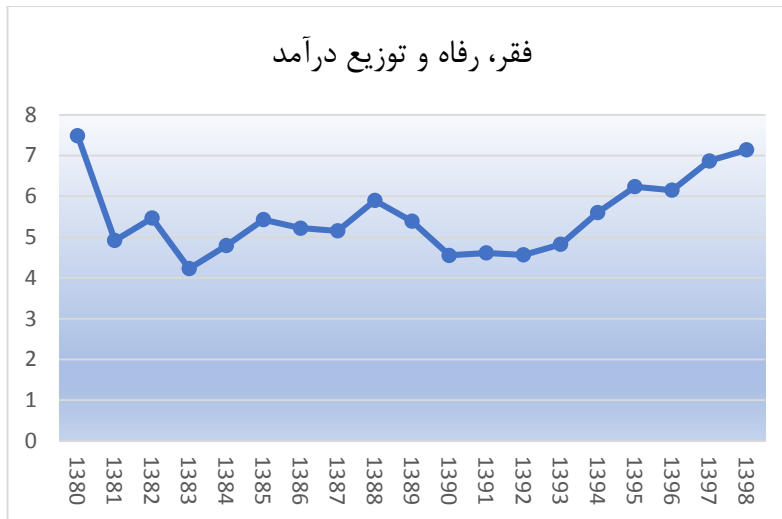
۱. inclusiveness



نمودار (۱۰): شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران حوزه انسجام اجتماعی و نبود تبعیض

۵-۲-۶. روند شاخص در بخش فقر، رفاه و توزیع درآمد

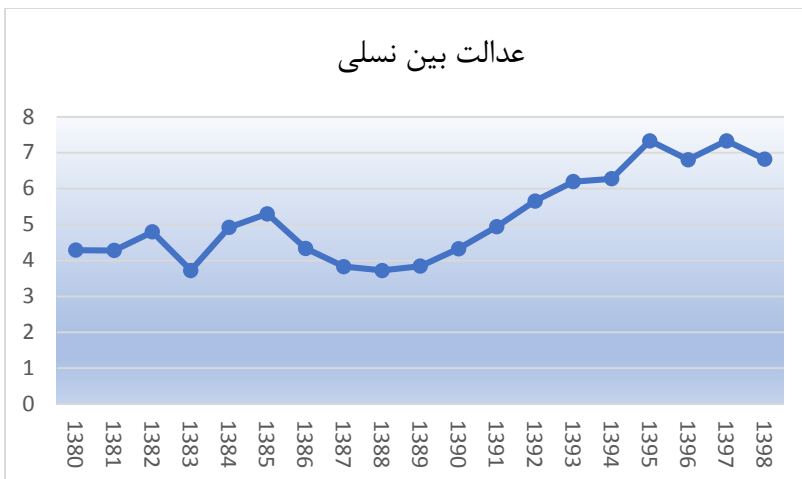
محور پنجم، روند شاخص ترکیبی در بخش فقر، رفاه و توزیع درآمد است. روند کلی شاخص در این محور، یک روند نوسانی می-باشد. افزایش مخارج خانوار، کاهش توان خرید مسکن و نداشتن شغل مناسب از جمله عوامل کاهنده نمره کل شاخص بوده است. اگر چه اجرای سیاست‌هایی مانند هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت یارانه نقدی باعث کاهش فقر به صورت مقطعی شده لیکن شوک ناشی از تحریم‌ها و آزادسازی قیمت‌ها باعث افزایش مخارج خانوار شده که حاصل آن افزایش فقر، نابرابری و شکاف گسترده درآمدی در جامعه می‌باشد.



نمودار (۱۱): شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران حوزه فقر، رفاه و توزیع درآمد

۵-۲-۷. روند شاخص در بخش عدالت بین نسلی

آخرین محور از ابعاد شش‌گانه شاخص ترکیبی، شاخص عدالت بین نسلی است که ناظر بر توجه به منافع نسل آتی و رعایت ملاحظات توسعه پایدار و منصفانه است. روند کلی شاخص در این بخش دارای فراز و نشیب است به گونه‌ای که ابتدا کاهش و سپس افزایش پیدا می‌کند؛ در نهایت نمره کل از حدود ۴,۲۹ به ۶,۸۲ افزایش پیدا کرده است؛ در حالی که وابستگی بودجه به نفت و خام فروشی به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش نیافته و به دنبال این امر تخریب محیط‌زیست و افزایش گازهای گلخانه‌ای افزایش پیدا کرده است؛ اینها عوامل کاهنده‌ی شاخص عدالت بین نسلی هستند که با خروجی این شاخص هم‌خوانی ندارند.



نمودار (۱۲): شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران حوزه عدالت بین نسلی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

یکی از مهم‌ترین تحولات توسعه‌ای، فراتر بردن مفهوم توسعه از صرفاً رشد اقتصادی به تحولی ساختاری است که علاوه بر بهبود ابعاد درآمدی و غیر درآمدی رفاه، از پایداری و نیز توزیع عادلانه برخوردار باشد. این امر باعث توجه به مفهوم عدالت در ادبیات توسعه است که محور ناهمبندی‌ها و برخوردارگی از مواهب توسعه را دارای اهمیت می‌یابد. در این پژوهش در راستای ارزیابی توسعه عادلانه نتایج شاخص فقر چند بعدی با استفاده از داده‌های هزینه درآمد خانوار نشان می‌دهد که میزان فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸ کاهش یافته است که البته شدت این کاهش در مناطق روستایی بیشتر می‌باشد و این کاهش به سبب امکانات و تسهیلات زندگی است که برای خانوارهای روستایی فراهم شده است؛ لیکن در سال ۱۳۹۶ شاهد یک افزایش در شاخص فقر چند بعدی هم برای خانوار شهری و روستایی هستیم که علت آن می‌تواند نوسانات نرخ ارز و تحریم اقتصادی باشد. بررسی شاخص فقر چند بعدی نشان می‌دهد که فقر فقط وابسته به درآمد نیست بلکه میزان برخوردارگی عادلانه افراد جامعه از آموزش، مسکن، اشتغال و میزان تسهیلات و امکانات رفاهی در فقیر بودن یا فقیر نبودن افراد جامعه مؤثر است از این رو در سیاست‌های اقتصادی به جای افزایش درآمد خانوارها از طریق پرداخت یارانه به دنبال افزایش قابلیت‌های خانوارها باشند. از سوی دیگر برآورد شاخص عدالت

ترکیبی نشان می‌دهد شاخص در بازه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ با روند صعودی روبرو بوده است و در نهایت نمره کل از حدود ۴,۷۲ در سال ۱۳۸۰ به ۷,۳۲ در سال ۱۳۹۸ رسیده است. اگر چه روند این شاخص بهبود شاخص ترکیب عدالت اجتماعی در ایران را نشان می‌دهد و میانگین این شاخص طی سال‌های مورد مطالعه ۵,۴۴ است که در مقایسه با دیگر کشورها جایگاه رو به بالایی را برای ایران نشان می‌دهد لیکن با واقعیت‌های موجود در جامعه هم‌خوانی ندارد شاید بتوان علت آن را کیفیت داده‌ها جستجو کرد.

در مجموع بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به درهم تنیدگی متغیرها و مؤلفه‌های مختلف در توسعه‌ی عادلانه، پیشنهاد می‌شود که برای سیاست‌گذاری و بررسی عملکرد اقتصادی کشور نه با هدف گرفتن متغیرهایی مانند رشد یا درکی محدود از توسعه بلکه با درکی همه‌جانبه از آن صورت گیرد. هدف‌گذاری بر اساس برآیند تأثیرگذاری سیاست‌ها بر رشد و برابری و پایداری به جای تأکید بر یکی از ابعاد یا مؤلفه‌های توسعه عادلانه باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار بگیرد.

از این رو در راستای برقراری توسعه‌ی عادلانه پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تأکید بر سیاست‌های اشتغال‌زا و تولید محور در قیاس با سیاست‌های صرفاً باز توزیعی (یارانہ نقدی،...)
- ۲- تمرکز بر سیاست‌های کلان رشدگرا در کنار توانمندسازی، ابزار مهمی است که می‌تواند جامعه را در جهت رشد هر چه بیشتر سوق دهد زیرا رشد اگر چه کافی نیست اما وجود آن لازم است.
- ۳- طراحی برنامه‌ی ملی کاهش فقر با مشارکت نهادهای مختلف به جای برنامه‌های جزیره‌ای .
- ۴- تعیین جایگاه عدالت و تعریف عدالت در برنامه‌های اقتصادی .
- ۵- ایجاد پایگاه اطلاعاتی و اجرای طرح اندازه‌گیری فقر چند بُعدی و عدالت ترکیبی به طور مداوم و سالیانه جهت شناسایی روند کارایی برنامه‌ها و سیاست‌های انجام شده در سطح کشور.

فهرست منابع

- توسلی، حسین (۱۳۷۵). مبانی نظری عدالت اجتماعی. بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
- جلالی، محسن (۱۳۹۸). ارزیابی فقر چند بعدی در جامعه شهری ایران. فصلنامه روند، ۲۶(۸۳): ۶۹-۹۰.
- خلعتبری، فیروزه (۱۳۹۰). عدالت اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس. دادگر، یدالله؛ نوفرستی، محمد و محمد علی مختاری (۱۳۹۹). یک ارزیابی از سطح، روند، و توزیع فقر چندبعدی در ایران. فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۲۵(۲): ۲۵-۴۳.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۴). جامعه روستایی و نیازهای آن. نشر شرکت سهامی انتشار زرغامی، سحر (۱۳۹۶). تخمین شاخص فقر چند بعدی برای ایران به روش آلکایر-فاستر و مقایسه روند آن با شاخص فقر تک بعدی. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: فرشاد فاطمی اردستانی، دانشگاه صنعتی شریف
- فطرس، محمد حسن و قدسی، سوده (۱۳۹۳). روش آلکایرو فوستر برای اندازه‌گیری فقر چند بعدی. مجله اقتصادی. ۱۴(۱۱): ۹۲-۷۷.
- مصطفوی ثانی، علی و سرآبادانی تفرشی، حسین (۱۳۹۸). سنجش و کاربست شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی اتحادیه اروپا در ایران، دو فصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۶(۱): ۱۵۵-۱۹۴.
- مؤمنی فرشاد (۱۳۹۶). عدالت اجتماعی، آزادی و توسعه در ایران امروز. نقش و نگار. مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۰). اشتغال، عدالت اقتصادی و توسعه؛ نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- میردال، گونار (۱۳۵۵). طرحی برای مبارزه جهانی با فقر، ترجمه بابک قهرمان نما، انتشارات امیرکبیر.
- نمازی، حسین (۱۳۹۲). نظام‌های اقتصادی. ناشر شرکت سهامی انتشار

Alkire, S., Foster, J.E., Seth, S., Santos, M.E., Roche, J.M., & Ballon, P. (2015). Multidimensional Poverty Measurement and Analysis: Chapter 7-Data and Analysis. OPHI. Working Paper No 88.

Alkire, S., Jindra, CH., Robles, G., & Vas, A. (2016). Multidimensional Poverty Index. OPHI Briefing 42, Oxford: Oxford University Pres.

- Alkire, Sabina, J. M. (2011). *Multidimensional Poverty Index 2011*, Oxford: Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI).
- Berg, A., & Ostry, J. D. (2011). *Inequality and Unsustainable Growth: Two Sides of the Same Coin?*. IMF Economic Review, Palgrave Macmillan; International Monetary Fund, 65(4), 792-815
- Hakimian, H. (2011). *The economic prospects of the 'Arab Spring': Abumpy road ahead*, CDPR Development View Point, (63), 1-2.
- Hellmann, T., Schmidt, P., & Heller, S.M. (2019). *Social Justice in the EU and OECD*. Bertelsmann Stiftung
- Helmy, H. (2013). *An approach to quantifying social justice in selected developing countries*. International Journal of Development, 12(1), 67-84.
- Jiantuo, Yu. (2011). *Multidimensional Poverty in China: Some Preliminary Findings Based on CHNS 2000-2009*. Social Indicators Research, 112(2), 315-336
- Notten, G., & Roelen, K. (2012). *A new tool for monitoring (child) poverty: Measures of cumulative deprivation*. Child Indicators Research, 5(2), 335-355.
- Santos, M, E. & Villatoro, P. A. (2018). *Multidimensional Poverty Index for Latin.America*. The Review of Income and Wealth. 64 (1), 52-82.
- Stiglitz, J. (2015). *The price of inequality; How does an unequal society endanger our future?* W. W. Norton & Company; Reprint edition
- Strategy, A. (2008). *The long-term strategic framework of the Asia Development Bank 2008–2020*. Mandaluyong City: Asian Development Bank.

وب سایت‌ها

Worldjusticeproject.org
prosperty.com
socialprogress.org
worldbank.ir